یک‌شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۵
۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸
۸ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۸۴

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



پیامدهای شکست در جنگ با ایران و شکست انتخاباتی، در حال عیان شدن است

دست‌های خالی جنایتکار

۳

۱۵ سال پس از شهادت سردار حسن طهرانی‌مقدم

میراث ماندگار پدر موشکی ایران

۲

کتاب از کاغذ تا پلتفرم، چه مسیری را در پیش خواهد داشت؟

نشر ایران در پیچ تاریخی

۵

روایت زندگی یکی دیگر از مردم ماه ایران
این بار مردی که گره از کار مردم باز می‌کرد

جهاد تا آخرین نفس

۶



سخنگوی سپاه از شروع فصل تازه‌ای از بازدارندگی در برابر تهدیدهای احتمالی خبر داد

برد موشک‌های ایران دیگر محدود نیست

۲

«آگاه» حدود و ثغور وظایف مهم‌ترین نهاد حمایت‌کننده از تولید را بررسی کرد

تولید در انتظار تسهیل‌گری واقعی

ستاد تسهیل و رفع موانع تولید با هدف گره‌گشایی از مشکلات واحدهای تولیدی و جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی شکل گرفت؛ نهادی که قرار بود با ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، بانکی، مالیاتی و بیمه‌ای، مسیر فعالیت تولیدکنندگان را هموار کند، اما برخی آسیب‌های ساختاری و اجرایی در عملکرد آن، ضرورت بازنگری در سازوکارها و بازگشت به فلسفه اصلی تشکیل این ستاد را بیش از گذشته نمایان کرده است؛ به‌ویژه در شرایطی که کشور با محدودیت‌ها و پیامدهای اقتصادی جنگ روبه‌رو است و حفظ ظرفیت تولید و صیانت از اشتغال، اهمیتی دوچندان دارد.

به گزارش «آگاه»، تولید در اقتصاد ایران همواره با مجموعه‌ای از موانع و محدودیت‌ها دست‌وپنجه نرم کرده است؛ از دشواری تامین سرمایه در گردش و بدهی‌های بانکی گرفته تا مشکلات مالیاتی، بیمه‌ای، اداری و زیرساختی. در چنین شرایطی، هرگونه وقفه در فعالیت واحدهای تولیدی می‌تواند علاوه بر کاهش ظرفیت تولید، به تعطیلی بنگاه‌ها، از دست رفتن فرصت‌های شغلی و تشدید مشکلات اقتصادی منجر شود. از همین رو، شکل‌گیری نهادی برای هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول و تسهیل امور تولیدکنندگان، ضرورتی انکارناپذیر بوده است. ستاد تسهیل و رفع موانع تولید نیز با همین رویکرد و بر اساس ماده ۶۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، مصوب سال ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی، تشکیل شد. این ستاد که زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت می‌کند، ماموریت دارد با بررسی مشکلات واحدهای تولیدی فعال و نیمه‌فعال، موانع پیش روی آنها را شناسایی و برای رفع مشکلات اداری، بانکی، مالیاتی، بیمه‌ای و سایر محدودیت‌ها راهکار ارائه کند. ترکیب اعضای این ستاد نیز نشان‌دهنده گستردگی ماموریت آن است؛ وزیر صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان رئیس ستاد، وزرای امور اقتصادی و دارایی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان ملی استاندارد، رئیس سازمان امور مالیاتی، رئیس گمرک، رئیس سازمان تامین اجتماعی، نماینده قوه قضاییه و رؤسای اتاق تعاون و اتاق بازرگانی در آن عضویت دارند. در سطح استان‌ها نیز ستادهای استانی با ترکیبی مشابه و به ریاست استانداران تشکیل شده‌اند تا مسائل تولیدکنندگان در سطح منطقه‌ای پیگیری شود.

همچنین بررسی مشکلات مالی و بانکی واحدهای تولیدی، تعیین تکلیف بدهی‌ها، تسهیل شرایط استمهال و تقسیط تسهیلات، رسیدگی به مسائل مالیاتی و بیمه‌ای، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، تعیین تکلیف واحدهای تملیکی یا تعطیل شده و نظارت بر اجرای مصوبات، بخشی از وظایفی است که برای این مجموعه تعریف شده است. بنابراین، ستاد تسهیل باید فراتر از یک مرجع اداری برای دریافت و ارجاع درخواست‌ها عمل کند و به نقطه اتصال دستگاه‌های مسئول برای حل عملیاتی مشکلات تولیدکنندگان تبدیل شود.

ابهام در سازوکارها، از چالش‌های جدی ستاد تسهیل

با وجود اهمیت این ماموریت، بررسی‌های نظارتی نشان می‌دهد عملکرد ستاد تسهیل در برخی حوزه‌ها با آسیب‌ها و ابهاماتی همراه بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی، عملکرد این ستاد را از مرداد سال ۱۴۰۱ تا پایان خرداد سال ۱۴۰۲ بررسی و ارزیابی کرده است؛ گزارشی که در آن، تداوم برخی ایرادات شناسایی‌شده و مورد تاکید قرار گرفته است. بر اساس این بررسی، ابهام در حدود صلاحیت و اختیارات ستاد، به‌ویژه در ارتباط با وظایف نهادهایی مانند شورای عالی هماهنگی اقتصادی و صندوق توسعه ملی، از جمله مشکلات ساختاری این مجموعه است. همچنین مشخص نبودن سازوکار ورود پرونده واحدهای تولیدی به فرآیند رسیدگی، از دیگر نقاط ضعف عملکردی عنوان شده است. در واقع، برخی امتیازات و تسهیلات از جمله استمهال بدهی‌ها، بخشودگی جرائم مالیاتی و بانکی، تعویق یا تعلیق اجرائیه‌ها و تخصیص تسهیلات، ممکن است در نتیجه طرح پرونده برخی بنگاه‌ها در ستاد در اختیار آنها قرار گیرد؛ در حالی که اگر معیارها و ضوابط بهره‌مندی از این امتیازات به‌صورت شفاف و نظام‌مند تعریف نشده باشد، زمینه برخورداری گزینشی برخی بنگاه‌ها و محروم ماندن سایر تولیدکنندگان از حمایت‌های مشابه فراهم می‌شود. موضوع مهم دیگر، استثنا کردن برخی بنگاه‌ها از شمول قوانین و مقررات عمومی است. برای نمونه، استمهال تسهیلات بانکی تابع ضوابط و شرایط مشخصی است و نادیده گرفتن این الزامات می‌تواند به انباشت بدهی، افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و دشوارتر شدن بازپرداخت تسهیلات در آینده منجر شود. از این منظر، حمایت از تولید نباید به تصمیماتی منتهی شود که در کوتاه‌مدت مشکلات یک بنگاه را به تعویق می‌اندازد، اما در بلندمدت بر ناترازی نظام بانکی و هزینه‌های اقتصادی می‌افزاید.

مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین دسترسی محدود کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط و فعالان اقتصادی شهرهای کوچک و مناطق روستایی به ظرفیت‌های ستاد تسهیل را از دیگر چالش‌های این مجموعه دانسته است؛ مسئله‌ای که نشان می‌دهد حمایت‌های این ستاد باید به‌گونه‌ای طراحی شود که تنها بنگاه‌های بزرگ



و برخوردار از دسترسی‌های اداری و سازمانی امکان بهره‌مندی از آن را نداشته باشند. نکته قابل تأمل در گزارش نظارتی مرکز پژوهش‌ها، تداوم آسیب‌های شناسایی‌شده در ارزیابی‌های قبلی و مشاهده نشدن اصلاحات موثر در دوره مورد بررسی است؛ موضوعی که ضرورت بازنگری جدی در ساختار و فرآیندهای اجرایی ستاد را گوشزد می‌کند.

شفافیت، حلقه مفقوده در رسیدگی به مشکلات تولیدکنندگان

در کنار این آسیب‌های ساختاری، شفافیت در نحوه رسیدگی به درخواست فعالان اقتصادی نیز از موضوعاتی است که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، تولیدکننده‌ای که برای حل مشکل خود به ستاد تسهیل مراجعه می‌کند، باید بداند پرونده‌اش از چه مسیری عبور می‌کند، چه نهادی مسئول بررسی آن است، تصمیم‌گیری بر چه مبنایی انجام می‌شود و در نهایت چه سرنوشتی در انتظار درخواست او خواهد بود.



این موضوعی است که مهدی طغیانی، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز در ارزیابی عملکرد ستاد تسهیل بر آن تاکید دارد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» معتقد است ستاد تسهیل در شرایط دشوار اقتصادی کشور می‌تواند با ایجاد انعطاف در اجرای قوانین و مقررات متناسب با وضعیت موجود، به فعالان اقتصادی و واحدهای صنعتی کمک کند تا از محدودیت‌ها عبور کنند و فعالیت خود را ادامه دهند. نماینده مردم اصفهان در مجلس با تاکید بر اینکه فلسفه اصلی تشکیل این ستاد جلوگیری از تعطیلی کسب‌وکارها و از بین رفتن اشتغال است، معتقد است در کنار اقدامات انجام‌شده، برخی سازوکارهای اجرایی این مجموعه نیازمند اصلاح و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر است. طغیانی شفافیت در فرآیند بررسی پرونده‌ها را یکی از مهم‌ترین الزامات ارتقای عملکرد ستاد تسهیل می‌داند و تاکید می‌کند که باید برای فعالان اقتصادی روشن باشد درخواست آنها تحت چه شرایطی پذیرفته یا رد می‌شود و در چه مواردی ممکن است تنها بخشی از درخواست مورد موافقت قرار گیرد. به اعتقاد وی، فرآیندهای داخلی ستاد، از جمله نحوه فعالیت کمیته‌ها و کارگروه‌هایی که شرایط واحدهای تولیدی را بررسی می‌کنند نیز باید به اندازه کافی اطلاع‌رسانی شود؛ چراکه مشخص بودن مسیر ورود پرونده‌ها، مراحل بررسی و مبنای تصمیم‌گیری نهایی، از جمله الزامات اعتمادسازی میان ستاد و فعالان اقتصادی است. این تاکید از آن جهت اهمیت دارد که ستاد تسهیل نباید به مجموعه‌ای تبدیل شود که صرفا درخواست‌ها را دریافت و میان دستگاه‌های مختلف جابه‌جا می‌کند؛ بلکه باید مشخص باشد هر پرونده در چه مرحله‌ای قرار دارد، چه اقدامی برای آن انجام شده و کدام دستگاه مسئول اجرای تصمیم نهایی است.

شرایط جنگی و ضرورت تسهیل واقعی امور تولید

اهمیت بازنگری در عملکرد ستاد تسهیل زمانی بیشتر می‌شود که شرایط اقتصادی کشور و فشارهای ناشی از جنگ را نیز در نظر بگیریم. در چنین وضعیتی، واحدهای تولیدی با محدودیت‌ها و دشواری‌های بیشتری در تامین مواد اولیه، نقدینگی، سرمایه در گردش، نقل‌وانتقال کالا و استمرار فعالیت مواجه می‌شوند. طبیعی است که در این شرایط، تاخیر در تصمیم‌گیری‌های اداری یا بانکی و طولانی شدن فرآیندهای رسیدگی، می‌تواند هزینه‌های بیشتری به تولیدکنندگان تحمیل کند. در واقع، در شرایط جنگی، ماموریت ستاد تسهیل صرفا رسیدگی به پرونده‌های انباشته‌شده نیست؛ بلکه این مجموعه باید بتواند با شناسایی سریع گلوگاه‌های تولید، هماهنگ کردن دستگاه‌های اجرایی و اتخاذ تصمیمات به‌موقع در چارچوب قوانین، مانع از توقف فعالیت واحدهای اقتصادی شود. البته تسهیل امور تولید به معنای نادیده گرفتن قوانین، اعطای امتیازات بدون ضابطه یا ایجاد استثناهای غیرمنصفانه نیست. حمایت موثر از تولید زمانی محقق می‌شود که تصمیمات ستاد هم از سرعت و انعطاف لازم برخوردار باشند و هم بر اساس ضوابط روشن، قابل دفاع و یکسان اتخاذ شوند. در غیر این صورت، ممکن است تصمیمی که با هدف حمایت از یک واحد تولیدی اتخاذ شده، در بلندمدت به افزایش بدهی، ایجاد تبعیض میان بنگاه‌ها یا تحمیل هزینه به نظام بانکی و اقتصاد کشور منجر شود.

از سوی دیگر، دسترسی آسان‌تر بنگاه‌های کوچک و متوسط به این ستاد، تعیین زمان‌بندی مشخص برای رسیدگی به پرونده‌ها، اطلاع‌رسانی عمومی درباره ضوابط و معیارهای پذیرش درخواست‌ها و انتشار گزارش‌های دوره‌ای از عملکرد و میزان اجرای مصوبات، می‌تواند به افزایش کارآمدی این مجموعه کمک کند. در نهایت، ستاد تسهیل و رفع موانع تولید برای آن شکل گرفته است که مسیر فعالیت تولیدکنندگان را هموار کند، نه اینکه خود به حلقه‌ای از پیچیدگی‌های اداری و تصمیم‌گیری تبدیل شود. این ستاد در شرایط عادی باید گره‌گشای مشکلات تولید باشد و در شرایط جنگی، با سرعت و هماهنگی بیشتری از ظرفیت‌های اقتصادی و اشتغال کشور صیانت کند. بازگشت به ماموریت اصلی، شفافیت در تصمیم‌گیری، پرهیز از امتیازدهی‌های غیرضابطه‌مند و نظارت بر اجرای مصوبات، چهار ضرورت مهمی است که می‌تواند این نهاد را بار دیگر در ریل اصلی خود قرار دهد؛ ریلی که مقصد آن نه صدور مصوبه‌های بیشتر، بلکه رفع واقعی موانع و تداوم چرخ تولید کشور است.

۹ اسفند
روز «حماسه، غیرت و شرف ایرانی» شود



رضا ظریفی
دبیر تحریریه

۹ اسفند ۱۴۰۴ یکی از تلخ‌ترین روزهای نیم قرن اخیر ایران بود. روزی که دشمن صهیونی و آمریکایی علیه مردم ایران اسلامی دست به جنایتی تمام‌عیار زد و ضمن به شهادت رساندن رهبر انقلاب، ۱۶۸ نفر از دانش‌آموزان معصوم و کادر آموزشی مدرسه شجره طیبه میناب را پرپر کرد. اگرچه از همان روزها و در بحبوحه جنگ و جنایت‌های بعدی دشمنان که تقریبا تمام کشور را درگیر خود کرد، یک نگاه مردم به سوی مدرسه شجره طیبه میناب و خانواده‌های داغدیده دانش‌آموزان آن مدرسه بود، اما به قول معروف شنیدن کی بود مانند دیدن...

در روز ۱۳ آبان و همزمان با روز دانش‌آموز به همراه تعداد زیادی از اهالی رسانه، فرهنگ و هنر سفری یک روزه به استان هرمزگان و شهر میناب داشتیم. در این برنامه که با هدف گرامیداشت یاد شهدای دانش‌آموز مدرسه میناب و زیارت مزار آنها برگزار شد، فرصتی دست داد تا از نزدیک حال و هوای خانواده‌های شهدای دانش‌آموز را نیز ببینیم و اگر آنها دوست داشتند چند کلامی هم با ایشان سخن بگوییم.

اما نخستین مسئله در زیارت مزار شهدای دانش‌آموز و بازدید از مدرسه شجره طیبه ابعاد گسترده جنایت دشمن آمریکایی و صهیونیستی است که هرگز از دریچه رسانه‌ها، قاب تلویزیون و گوشی‌های تلفن همراه به مخاطب منتقل نخواهد شد. از یکسو نقش صدها چشم زیبا و معصوم در مزار شهدا و دیوارهای روی مدرسه مستقیم به شما نگاه می‌کنند و از سوی دیگر چشمان نمناک حاضران و بغض سنگینی که پنجه در گلو انداخته اجازه هیچ حرف و سخنی را نمی‌دهد. در اینجا بیشتر، چشم‌ها با هم حرف می‌زنند تا شاید بتوانند کمی حس و حال درد و رنج دل خانواده‌های دانش‌آموزان را بفهمند. هر شخصی که برای بازدید به مزار شهدا یا مدرسه شجره طیبه می‌آید اگر خود فرزندی داشته باشد یا در اقوام نزدیک خود همبازی کودکی خردسال شده باشد، مدام در ذهن خود شبیه‌سازی می‌کند که... حتی فکرکردن به این مسئله هم دردآور است.

هرمزگانی‌ها و میناب‌ها بسیار خونگرم هستند. خانواده‌های شهدای میناب وقتی مهمان دارند سعی می‌کنند با روی باز پذیرای مهمان‌ها باشند اما چه می‌شود کرد که داغی جگرسوز دیده‌اند و بعد از حدود هشت ماه از آن روز جهنمی، هنوز با این مصیبت کنار نیامده‌اند. صحبت‌های این خانواده‌ها بسیار شنیدنی است. از اینکه حس رها شدن به آنها دست داده و حالا فکر می‌کنند مسئولان فقط برای عکس انداختن پیش آنها می‌آیند تا آنجا که اعلام می‌کنند هنوز حال برخی والدین و حتی خواهر و برادرهای دانش‌آموزان میناب خوب نیست. برخی دیگر نیز این گلایه را دارند که نباید مدام بخش رنج‌آور این اتفاق دهشتناک را برای پدران و مادران دلخون تکرار کرد. فرزندان آنها جنبه‌های دیدنی و شنیدنی دیگری هم در زندگی داشته‌اند که باید مورد توجه قرار بگیرند. یکی دیگر از والدین از جنبه مرگ آگاهی این بچه‌ها می‌گفت و اینکه حالا مشخص شده تعدادی از دانش‌آموزان میناب از روزهای قبل از شهادت خود، گویی از این ماجرا باخبر شده بودند و این مسئله را از نقاشی‌ها، نوشته‌ها و حتی صحبت‌های آخر آنها با والدین می‌توان فهمید.

خانواده‌های میناب این روزها درددل زیاد دارند و نهادهای مسئول در کشور و حتی استان هرمزگان باید همچنان تیم‌های مشاوره را برای همراهی با خانواده‌ها و شنیدن سخنان آنها به میناب اعزام کنند. هریک از فرزندان مدرسه شجره میناب روایت و داستانی دارند که هرکدام می‌تواند سوژه فیلم و سریال و حتی کتابی شاخص شود. خانواده‌های شهدای میناب دوست دارند نقش فرزندانشان و تاثیر شهادت آنها در استواری و بقای ایران اسلامی برای همیشه در تاریخ ثبت شود. اما پیشنهاد جدی این است که شاید نتوان عنوان «روز دانش‌آموز» را از ۱۳ آبان به ۹ اسفند منتقل کرد، اما می‌توان این روز را به نام «روز حماسه، غیرت و شرف ایرانی» نامگذاری کرد چراکه رهبر شهید انقلاب و ۱۶۸ شهید مدرسه شجره طیبه میناب با خون خود در نخستین روز جنگ ۴۰ روزه دشمن شیطان صفت علیه ملت ایران، توانستند پرچم استقامت و آزادگی را به اهتزاز درآورند.



اسماعیلی، معاون راهبردی و امور مجلس:
«حفظ امنیت» یکی از پنج مقصد اصلی تمامی شریعت‌های الهی است

هرمز؛ میدان هشدار به متجاوزان

از حریق نفتکش متخلف بر اثر برخورد با مین دریایی تا شکار پهپاد پیشرفته آمریکایی MQ-۹؛ دو رویداد مهم که پیام روشنی از آمادگی دفاعی کشورمان در زمین، دریا و آسمان دارد.

تنگه هرمز بار دیگر به کانون تحولات امنیتی منطقه تبدیل شد؛ جایی که در فاصله‌ای کوتاه، دو رویداد مهم نظامی توجه‌ها را به توان دفاعی کشورمان جلب کرد. از یک سو، یک نفتکش متخلف که به هشدارهای دریایی بی‌اعتنایی کرده و با خاموش کردن سامانه‌های ناوبری خود وارد محدوده ممنوعه شده بود، بر اثر برخورد با مین دریایی در شرق تنگه هرمز دچار آتش‌سوزی شد و از حرکت بازماند؛ از سوی دیگر، پدافند هوایی ارتش یک فروند پهپاد پیشرفته MQ-۹ آمریکایی را در آسمان قشم شناسایی و منهدم کرد. این دو اتفاق، اگرچه در حوزه‌های متفاوت دریایی و هوایی رخ داده‌اند، اما پیام مشترکی دارند: تنگه هرمز و جزایر راهبردی آن عرصه‌ای نیستند که بتوان بدون توجه به هشدارهای امنیتی نیروهای مسلح کشورمان در آن دست به ماجراجویی زد.

به گزارش «آگاه» روابط عمومی نیروی دریایی ارتش در اطلاعیه‌ای اعلام کرد یک نفتکش در شرق تنگه هرمز بر اثر برخورد با مین دریایی دچار آتش‌سوزی شده است. براساس این اطلاعیه، شناور مذکور پیش از حادثه، بدون توجه به هشدارهای مکرر در محدوده ممنوعه و ناامن تردد می‌کرد و سامانه‌های ناوبری خود را نیز خاموش کرده بود.

نیروی دریایی ارتش تاکید کرد شناورهایی که هشدارهای اعلام شده را نادیده بگیرند و وارد مناطق ممنوعه شوند، با خطرات جدی مواجه خواهند شد. درباره هویت نفتکش و میزان خسارات وارده اطلاعات بیشتری منتشر نشده است.



تنگه هرمز؛ جغرافیای حساس و محاسبات پرهزینه

تنگه هرمز به دلیل موقعیت جغرافیایی و نقش تعیین‌کننده در انتقال انرژی، یکی از مهم‌ترین آبراه‌های راهبردی جهان به شمار می‌رود. بخش قابل توجهی از تجارت جهانی نفت از این مسیر عبور می‌کند و به همین دلیل، امنیت آن برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. در چنین منطقه‌ای، رعایت مقررات تردد و توجه به هشدارهای دریایی اهمیت دوچندان دارد. خاموش کردن سامانه‌های شناسایی و ناوبری، امکان رصد شناورها را دشوار می‌کند و می‌تواند احتمال وقوع حوادث و سوءبرداشت‌های امنیتی را افزایش دهد. از این منظر، حادثه نفتکش بار دیگر ضرورت رعایت محدوده‌های اعلام‌شده و ضوابط امنیتی را برجسته می‌کند.

مین دریایی؛ ابزاری کوچک با تاثیری بزرگ در معادلات امنیتی

مین‌های دریایی از ابزارهای تاثیرگذار در جنگ‌های دریایی هستند که با ایجاد تهدید در مسیرهای تردد، هزینه‌های امنیتی و عملیاتی عبور شناورها را افزایش می‌دهند و می‌توانند بر تصمیم شرکت‌های کشتیرانی و بیمه‌گران بین‌المللی تاثیر بگذارند. در آبراهی مانند هرمز که اهمیت اقتصادی گسترده‌ای دارد، هرگونه تهدید دریایی می‌تواند محاسبات امنیتی را تغییر دهد. با این حال، نباید از یک حادثه به تنهایی درباره وضعیت تمام مسیرهای کشتیرانی یا وجود راهبرد جدید مین‌ریزی نتیجه‌گیری کرد. آنچه اهمیت دارد، ضرورت توجه شناورها به هشدارهای امنیتی و پرهیز از تردد در محدوده‌های ممنوعه است.

شکار MQ-۹؛ ضربه به چشم اطلاعاتی آمریکا

تحولات امنیتی تنها به سطح دریا محدود نماند. در رویدادی مهم در آسمان جنوب کشور، نیروی پدافند هوایی ارتش یک فروند پهپاد پیشرفته MQ-۹ آمریکایی را شناسایی و منهدم کرد. براساس اعلام ارتش، این پهپاد با استفاده از سامانه‌های نوین پدافند هوایی و در چارچوب شبکه یکپارچه دفاع هوایی کشور، در آسمان جزیره قشم مورد اصابت قرار گرفت و سرنگون شد. MQ-۹ از پهپادهای پیشرفته مورد استفاده ارتش آمریکا محسوب می‌شود و به دلیل مداومت پروازی بالا و قابلیت حمل تجهیزات شناسایی و مراقبت، نقش مهمی در ماموریت‌های اطلاعاتی و نظارتی واشنگتن دارد. این پهپاد می‌تواند اطلاعات تصویری و عملیاتی از مناطق مورد نظر جمع‌آوری کند. بنابراین، انهدام آن علاوه بر تحمیل خسارت تجهیزاتی، می‌تواند به ناکامی ماموریت اطلاعاتی و کاهش ظرفیت نظارتی طرف مقابل منجر شود. از این رو، توانایی کشف، رهگیری و انهدام چنین هدفی اهمیت ویژه‌ای در محاسبات نظامی دارد.

شبکه یکپارچه پدافند؛ مزیت راهبردی در جنگ‌های جدید

نکته برجسته در اطلاعیه ارتش، تاکید بر عملکرد سامانه‌های نوین پدافند هوایی در چارچوب شبکه یکپارچه دفاع هوایی کشور است. در جنگ‌های جدید، تهدیدات هوایی تنها به جنگنده‌ها و موشک‌های بالستیک محدود نیستند و پهپادهای شناسایی، پرنده‌های بدون سرنشین رزمی، موشک‌های کروز و اهداف کم‌ارتفاع نیز اهمیت زیادی دارند. در چنین شرایطی، موفقیت پدافند به عملکرد یک سامانه منفرد وابسته نیست، بلکه هماهنگی میان رادارها، تجهیزات شناسایی، مراکز فرماندهی و سامانه‌های درگیری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. انهدام پهپاد آمریکایی در آسمان قشم از این منظر اهمیت دارد. این جزیره به دلیل موقعیت جغرافیایی در مجاورت تنگه هرمز، یکی از نقاط مهم در معادلات امنیتی جنوب کشور است و حفاظت از آن نیازمند پوشش مناسب پدافندی و توان مقابله با تهدیدات هوایی است.

پیام مشترک دو عملیات به واشنگتن و متحدانش

قرارگرفتن این دو رویداد در کنار یکدیگر، اهمیت همزمان قدرت دریایی و پدافندی در راهبرد دفاعی کشورمان را نشان می‌دهد. در دریا، هشدارهای نیروی دریایی و ضرورت رعایت محدوده‌های ممنوعه مطرح است و در آسمان، توان پدافند برای مقابله با پهپادهای پیشرفته و ماموریت‌های شناسایی به نمایش گذاشته می‌شود. این تحولات در شرایطی رخ داده‌اند که حضور نظامی آمریکا و فعالیت‌های اطلاعاتی و نظارتی آن در خلیج فارس از موضوعات مهم امنیتی منطقه است. پهپادهایی مانند MQ-۹ ابزارهای ارزشمندی برای جمع‌آوری اطلاعات و مراقبت از تحولات میدانی هستند و انهدام آنها می‌تواند هزینه چنین ماموریت‌هایی را افزایش دهد. درنهایت، حریق نفتکش متخلف و انهدام پهپاد آمریکایی دو نشانه از حساسیت بالای محیط امنیتی خلیج فارس هستند؛ محیطی که در آن قدرت نظامی، هوشیاری اطلاعاتی و مدیریت تردد دریایی اهمیت ویژه‌ای دارند. تحولات اخیر بار دیگر نشان داد که تنگه هرمز و جزایر پیرامونی آن جایگاهی مهم در محاسبات دفاعی ایران دارند و هرگونه تحرک تهدیدآمیز در این محدوده با ملاحظات و واکنش نیروهای مسلح کشورمان مواجه خواهد شد.

سخنگوی سپاه از شروع فصل تازه‌ای از بازدارندگی در برابر تهدیدهای احتمالی خبر داد

برد موشک‌های ایران دیگر محدود نیست

سخنگوی سپاه با اعلام برداشته شدن محدودیت برد موشک‌های جمهوری اسلامی ایران، از تغییر رویکرد در مدیریت توان موشکی کشور خبر داد؛ تحولی که در کنار دستاوردهای نیروی هوافضا در حوزه تولید زیرزمینی، ارتقای دقت و رادارگریزی موشک‌ها، جنگ الکترونیک و توسعه پدافند هوایی، می‌تواند نشانه ورود توان دفاعی کشور به مرحله تازه‌ای از بازدارندگی باشد.



سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در نشست خبری گرامیداشت هفته هوافضای سپاه، درباره برداشته شدن محدودیت برد موشک‌های ایران اظهار کرد: «این محدودیت برای ما برداشته شده است، اما باید در عمل از این قابلیت‌ها رونمایی کنیم و پیش از آن نباید صرفا شعار بدهیم؛ چراکه وظیفه ما این است که توانمندی‌های خود را در میدان عمل نشان دهیم.» این اظهارات از تغییر در برخی ملاحظات راهبردی کشور در حوزه دفاع موشکی حکایت دارد. تاکید سخنگوی سپاه بر نمایش عملی توانمندی‌ها نیز نشان می‌دهد که در منطق بازدارندگی، صرف اعلام قابلیت‌ها کافی نیست و طرف مقابل باید نسبت به توانایی و اراده استفاده از آنها اطمینان پیدا کند.

تغییر در محاسبات بازدارندگی

برد موشک‌های بالستیک یکی از مولفه‌های اصلی قدرت راهبردی کشورهاست. افزایش برد می‌تواند دامنه جغرافیایی دسترسی را گسترش دهد و محاسبات دفاعی طرف مقابل را پیچیده‌تر کند. البته برداشته شدن محدودیت به معنای اعلام برد مشخص یا تایید عملیاتی شدن موشک‌هایی با برد معین نیست؛ چراکه سردار محبی در این نشست عدد یا مشخصات فنی جدیدی ارائه نکرد. اهمیت اصلی این اظهارنظر را باید در تغییر چارچوب سیاست‌گذاری و رفع محدودیت پیشین جست‌وجو کرد. این رویکرد در پی تاکید رهبر انقلاب بر ضرورت پاسخ فوری و اثرگذار به تهدیدها، بدون محدودیت جغرافیایی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر این اساس، دامنه پاسخ دفاعی کشور صرفا به محدوده نزدیک یا محیط پیرامونی محدود نخواهد بود. سخنگوی سپاه همچنین با اشاره به ماهیت نامتقارن نبرد با دشمن تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران ابزارهای متعددی برای مقابله با طرف مقابل در اختیار دارد و می‌تواند در نقاطی به دشمن ضربه بزند که پیش‌بینی آن دشوار باشد.

از دانش بومی تا استقلال در صنعت موشکی

بخش دیگری از سخنان محبی به دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه اختصاص داشت؛ دستاوردهایی که تنها به افزایش برد موشک‌ها محدود نمی‌شود و حوزه‌های مختلف فناوری و تولید تجهیزات دفاعی را دربر می‌گیرد. به گفته سخنگوی سپاه، تولید دانش بومی و بومی‌سازی فناوری‌های جهانی، زمینه تبدیل دانش به صنعت و کاهش وابستگی تسلیحاتی کشور را فراهم کرده است. محصولاتی مانند موشک آرمان، پهپاد ۳۵۸ و سامانه پدافند هوایی سوم خرداد از جمله تجهیزات تولیدشده در این حوزه هستند که به گفته وی قابلیت صادرات نیز دارند. همچنین پهپاد شاهد ۱۳۶ به‌عنوان یکی از نمونه‌های توسعه فناوری بومی مورد اشاره قرار گرفت. محبی مدعی شد طراحی این پهپاد در کشورهای مختلف، حتی آمریکا، مورد الگوبرداری قرار گرفته است. استقلال تسلیحاتی در شرایط تحریم‌های گسترده نظامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا توسعه زنجیره داخلی طراحی و تولید، امکان تداوم برنامه‌های دفاعی و ارتقای تجهیزات را در شرایط محدودیت خارجی افزایش می‌دهد.

تولید زیرزمینی؛ پاسخ به راهبرد فرسایشی دشمن

یکی از مهم‌ترین محورهای نشست خبری، توانایی نیروی هوافضا برای استمرار تولید موشک و پهپاد در شرایط جنگی بود. محبی اعلام کرد که ظرفیت‌های تولیدی این نیرو از تاسیسات روی سطح به زیرزمین منتقل شده و در کنار شهرک‌های موشکی، زیرساخت‌های تولید نیز در این فضا توسعه یافته‌اند. این تحول از منظر نظامی اهمیت دارد؛ زیرا در جنگ‌های مدرن، هدف قرار دادن زیرساخت‌های تولید و مراکز پشتیبانی از راهبردهای اصلی برای کاهش توان رزمی طرف مقابل است. برخورداری از زیرساخت‌های مستحکم و دارای قابلیت استمرار فعالیت می‌تواند اثربخشی حملات دشمن را کاهش دهد و مانع توقف کامل چرخه تولید تسلیحات شود. به گفته سخنگوی سپاه، دشمن نمی‌تواند صرفا بر اساس تعداد موشک‌های شلیک‌شده، ذخایر و توان موشکی ایران را محاسبه کند؛ زیرا استمرار تولید و امکان جایگزینی تجهیزات نیز بخشی از قدرت دفاعی کشور محسوب می‌شود.

ارتقای رادارگریزی و عبور از لایه‌های پدافندی

از دیگر دستاوردهای اعلام‌شده نیروی هوافضای سپاه، کاهش سطح مقطع راداری و افزایش قابلیت رادارگریزی موشک‌ها و پهپادهاست.

محبی با اشاره به عملکرد موشک‌های ایرانی در جنگ اخیر اظهار کرد که این تسلیحات توانسته‌اند از لایه‌های مختلف سامانه‌های پدافندی دشمن عبور کرده و به اهداف موردنظر اصابت کنند. کاهش سطح مقطع راداری، کشف و رهگیری اهداف را برای سامانه‌های دفاعی دشوارتر می‌کند. این قابلیت در کنار افزایش دقت و استفاده از فناوری‌های مقابله با جنگ الکترونیک، می‌تواند بر عملکرد تسلیحات در محیط‌های دفاعی پیچیده تاثیرگذار باشد.

پدافند هوایی؛ دستاوردی مهم در معادلات جنگ اخیر

بخش دیگری از اظهارات سخنگوی سپاه به توسعه سامانه‌های پدافند هوایی اختصاص داشت. محبی اعلام کرد که پس از دفاع مقدس دوم و جنگ ۱۲ روزه، نیروی هوافضای سپاه با سرعت بیشتری در حوزه تولید سامانه‌های پدافندی پیشرفت کرده است. وی با اشاره به عملکرد این نیرو در جنگ ۴۰ روزه، از هدف قرار گرفتن یا خارج شدن بیش از ۲۶۰ فروند از پرنده‌ها و هواگردهای دشمن از چرخه عملیاتی خبر داد. به گفته وی، این آمار شامل انواع جنگنده‌ها، پهپادهای شناسایی و رزمی و ریزپرنده‌هاست و صرفا به عملکرد نیروی هوافضای سپاه مربوط می‌شود؛ آمار عملکرد پدافند هوایی ارتش نیز جداگانه اعلام خواهد شد. محبی همچنین از کنترل، انهدام یا وادار کردن هفت فروند پهپاد شناسایی کیوام ۱۸۰ دشمن به فرود طی دو هفته گذشته خبر داد و این موضوع را نشانه‌ای از پیشرفت فناوری‌های بومی و توانمندی جنگ الکترونیک دانست.

فصل تازه‌ای از بازدارندگی در برابر تهدیدهای احتمالی

سخنگوی سپاه در کنار تشریح دستاوردهای موجود، از قابلیت‌های جدید و رونمایی نشده نیروی هوافضا خبر داد و گفت: در صورت آغاز موج سوم درگیری با دشمن، بخشی از این توانمندی‌ها در میدان عملیات به کار گرفته خواهد شد. محبی همچنین درباره اتفاقات جمعه شب در تنگه هرمز اظهار کرد که شلیک‌های انجام‌شده عمدتا مربوط به فعالیت‌های پدافندی بوده و یک هواگرد آمریکایی نیز در جریان این تحولات مورد اصابت قرار گرفته است.

مجموع اظهارات سخنگوی سپاه نشان می‌دهد که راهبرد اعلام شده نیروی هوافضا بر چند محور استوار است؛ رفع محدودیت برد موشکی، افزایش قابلیت عبور از سامانه‌های دفاعی، استمرار تولید تسلیحات در شرایط جنگی، توسعه پدافند هوایی و بهره‌گیری از جنگ الکترونیک و توانمندی‌های نامتقارن. در چنین چارچوبی، پیام اصلی این نشست برای آمریکا و رژیم صهیونیستی آن است که قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان صرفا بر اساس تعداد موشک‌های شلیک‌شده یا زیرساخت‌های قابل مشاهده ارزیابی کرد. توان تولید، فناوری بومی و انعطاف‌پذیری عملیاتی نیز از عوامل موثر در معادلات بازدارندگی هستند.

برداشته شدن محدودیت برد موشک‌ها نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ تغییری که ابعاد واقعی آن نه با اظهارات رسانه‌ای، بلکه با قابلیت‌های عملیاتی و تحولات آینده در عرصه دفاعی مشخص خواهد شد.

---

۱۵ سال پس از شهادت سردار حسن طهرانی‌مقدم؛ از موشک‌های ۳۰۰ کیلومتری تا نقطه‌زنی در عمق دو هزار کیلومتری

میراث ماندگار پدر موشکی ایران

۱۵ سال پس از شهادت سردار حسن طهرانی‌مقدم، مسیری که با تعدادی موشک وارداتی، محدودیت‌های فنی و اراده گروهی از جوانان در سال‌های دفاع مقدس آغاز شد، به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است؛ مسیری که دستاوردهای آن را امروز می‌توان در توسعه موشک‌های نقطه‌زن، سامانه‌های بومی پدافندی و فناوری پهپادی مشاهده کرد.

پانزدهمین سالگرد شهادت سردار سرلشکر پاسدار حسن طهرانی‌مقدم، فرصتی برای بازخوانی کارنامه فرمانده‌ای است که نامش با شکل‌گیری و توسعه توان موشکی ایران گره خورده است. او در شرایطی که کشور برای تامین تجهیزات دفاعی با محدودیت‌های گسترده مواجه بود، به جای پذیرش وابستگی، مسیر دستیابی به دانش و فناوری بومی را انتخاب کرد. اهمیت طهرانی‌مقدم تنها در فرماندهی نظامی خلاصه نمی‌شود؛ او توانست یک ضرورت عملیاتی را به پروژه‌ای راهبردی و جریانی پایدار در حوزه علمی و صنعتی تبدیل کند. مسیری که امروز فاصله چشمگیر میان نقطه آغاز و جایگاه صنعت موشکی کشور را نشان می‌دهد.

از موشک‌های وارداتی تا فناوری بومی

روایت شکل‌گیری توان موشکی ایران به سال‌های دفاع مقدس بازمی‌گردد؛ زمانی که شهرهای کشور زیر آتش حملات موشکی رژیم بعث عراق قرار داشتند و ایران برای پاسخ متقابل با محدودیت جدی مواجه بود. در آن دوران، گروهی از نیروهای متخصص برای فراگیری آموزش‌های موشکی به سوریه اعزام شدند و تعدادی موشک اسکاد نیز از لیبی خریداری شد. اما هدف شهید طهرانی‌مقدم صرفا استفاده از موشک‌های وارداتی نبود؛ او به دنبال شناخت فناوری، رفع مشکلات فنی و دستیابی به دانش طراحی و تولید داخلی بود. سردار علی بلالی، مشاور عالی فرمانده نیروی هوافضای سپاه، در پانزدهمین آیین بزرگداشت این شهید، رهنمود امام خمینی (ره) درباره خودباوری و اصل «ما می‌توانیم» را مبنای حرکت نسل نخست متخصصان موشکی دانست. به گفته وی، نخستین تجربه‌های موفق شلیک موشکی از کرمانشاه در دی ۱۳۶۵ رقم خورد؛ رویدادی که با وجود محدودیت‌های فنی و کمبود تجربه، نقطه عطفی در تاریخ دفاعی کشور محسوب می‌شد. این تلاش‌ها بنیان تفکری را شکل داد که بر اساس آن، امنیت ملی نباید به اراده قدرت‌های خارجی یا اجازه فروشندگان تسلیحات وابسته باشد.

فاصله ۳۰۰ تا دو هزار کیلومتر؛ روایت یک تحول راهبردی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان سردار بلالی، اشاره به تحول برد و دقت موشک‌های ایرانی بود. وی اعلام کرد: برد موشک‌های مورد استفاده کشور در دوران دفاع مقدس حدود ۳۰۰ کیلومتر بود، اما این ظرفیت اکنون به حدود دو هزار کیلومتر رسیده و با قابلیت نقطه‌زنی همراه شده است. این تحول تنها به افزایش برد تسلیحات محدود نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده پیشرفت در فناوری، دقت و توان عملیاتی موشک‌هاست؛ قابلیت‌هایی که در معادلات دفاعی و بازدارندگی اهمیت دارند. سردار بلالی برای تشریح این پیشرفت به عملیات‌های موشکی علیه پایگاه عین‌الاسد و مواضعی در دیرالزور اشاره کرد. حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد در دی ۱۳۹۸، نمونه‌ای از به‌کارگیری عملی توان موشکی ایران در مواجهه مستقیم با اهداف نظامی آمریکا بود. از این منظر، میراث شهید طهرانی‌مقدم را باید در پیوند میان دانش، صنعت و توان دفاعی جست‌وجو کرد؛ مسیری که دستاوردهای یک نسل از متخصصان را به سرمایه‌ای برای نسل‌های بعدی تبدیل کرد.

از موشک تا پدافند؛ گسترش یک مکتب خودباوری

یکی دیگر از محورهای مراسم، دستاوردهای کشور در حوزه پدافند هوایی و پهپادی بود؛ حوزه‌هایی که در کنار توان موشکی، بخش مهمی از ساختار دفاعی ایران را تشکیل می‌دهند. بلالی با اشاره به تولید سامانه پدافندی سوم خرداد، این دستاورد را نتیجه حرکت به سمت طراحی و ساخت تجهیزات بومی برای مقابله با تهدیدات هوایی دانست. وی همچنین به انهدام پهپاد آمریکایی گلوبال هاوک در محدوده خلیج فارس اشاره کرد. به گفته او، این پهپاد پس از ورود به حریم هوایی کشور و بی‌توجهی به اخطارها، در فاصله حدود ۸۹ کیلومتری با استفاده از سامانه بومی سوم خرداد هدف قرار گرفت. ماجرای به دست آوردن پهپاد آمریکایی آرکیو ۱۷۰ نیز از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این مراسم بود. به گفته بلالی، نیروهای ایرانی توانستند این پهپاد را سالم به زمین بنشانند و با بررسی اطلاعات موجود در سامانه آن، به داده‌هایی درباره مسیرهای پروازی و مناطق تصویربرداری‌شده دست پیدا کنند. این تجربه‌ها نشان‌دهنده گسترش خودکفایی دفاعی از حوزه موشکی به زمینه‌های مختلف فناوری نظامی است.



شهید طهرانی‌مقدم؛ یک فرمانده و یک الگوی مدیریتی

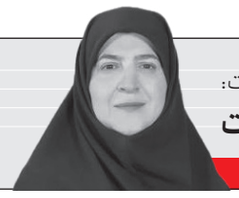
اهمیت پانزدهمین سالگرد شهادت پدر موشکی ایران تنها به مرور دستاوردهای نظامی محدود نمی‌شود؛ ابعاد شخصیتی، مدیریتی و فرهنگی او نیز از محورهای اصلی این مراسم بود. حسین سیف‌امیرحسینی، مدیرعامل موسسه فرهنگی هنری شهدای غدیر، تاکید کرد: بزرگداشت شهید طهرانی‌مقدم فرصتی برای بازخوانی مکتب فکری و مدیریتی مبتنی بر خودباوری، مجاهدت علمی و تبدیل محدودیت‌ها به فرصت‌های پیشرفت است. از این منظر، شهید طهرانی‌مقدم می‌تواند الگویی برای مدیریت علمی، سازماندهی نیروهای متخصص، شناسایی استعدادهای جوان و عبور از موانع ساختاری باشد. سیف‌امیرحسینی همچنین با اشاره به جایگاه خانواده‌های شهدا، بر ضرورت عبور از بزرگداشت‌های مناسبتی و حرکت به سمت مستندسازی، تولید آثار فرهنگی و انتقال عملی تجربه شهدا به نسل جوان تاکید کرد.

وحدت ملی، پشتوانه استمرار اقتدار دفاعی

در بخش دیگری از مراسم، سردار بلالی با تاکید بر ماموریت نیروهای مسلح در صیانت از مرزها و تمامیت ارضی کشور، سپاه پاسداران را جان‌فدای ملت در مسیر دفاع از امنیت و منافع ملی توصیف کرد! وی همچنین بر ضرورت حفظ انسجام ملی و همدلی میان ارکان مختلف کشور تاکید کرد و وحدت را از عوامل مهم عبور از تهدیدها دانست. قدرت دفاعی تنها به تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته وابسته نیست؛ پشتوانه اجتماعی، انسجام داخلی و ظرفیت‌های علمی و اقتصادی نیز در حفظ امنیت و استمرار پیشرفت کشور نقش دارند.

میراثی که نباید در قاب مراسم‌ها محدود بماند

پانزدهمین آیین بزرگداشت سردار شهید حسن طهرانی‌مقدم با حضور جمعی از فرماندهان نظامی، مسئولان کشوری، مدیران فرهنگی و خانواده‌های شهدا در سالن اجتماعات بوستان سرلشکر شهید منفردنیاکی برگزار شد. در این مراسم پیام حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاریان قرائت و از خانواده‌های سرداران شهید حسن طهرانی‌مقدم، امیرعلی حاجی‌زاده، محمد باقری، شیخیان و طاهرپور تجلیل شد. برگزاری این مراسم در شرایطی است که تحولات منطقه و استمرار تهدیدهای امنیتی، اهمیت بازخوانی تجربه‌های دفاعی کشور را دوچندان کرده است. ۱۵ سال پس از شهادت طهرانی‌مقدم، پاسداشت واقعی او تنها به برگزاری مراسم و یادآوری خاطرات محدود نمی‌شود، بلکه تداوم روحیه خودباوری، جسارت علمی، نظم سازمانی و نگاه بلندمدت او در عرصه‌های مختلف کشور اهمیت دارد. شهید طهرانی‌مقدم نشان داد که می‌توان با تکیه بر دانش داخلی و ظرفیت‌های بومی، محدودیت‌ها را به فرصت تبدیل کرد. فاصله موشک‌های ۳۰۰ کیلومتری دوران دفاع مقدس تا سامانه‌های نقطه‌زن با برد حدود دو هزار کیلومتر، روایت سال‌ها تلاش علمی و صنعتی و انتقال تجربه میان نسل‌های متخصص کشور است. اگرچه پدر موشکی ایران دیگر حضور فیزیکی ندارد، مسیری که آغاز کرد همچنان ادامه دارد؛ میراثی که ارزش آن در استمرار خودباوری، توسعه دانش بومی و تلاش برای ساخت آینده‌ای مستقل و متکی بر توان داخلی آشکار می‌شود.



فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت:
سفره مردم معیار تصمیم‌های دولت است

یک‌شنبه/ ۱۷ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۴



هدف آمریکایی‌ها از خبرسازی پیرامون احتمال حمله اتمی آمریکا به ایران چیست؟

هراس‌افکنی برای تسخیر تفکر مقاومت

طی روزهای اخیر فضای رسانه‌ای و اجتماعی کشور پر شده از گمانه‌زنی در باب احتمال حمله اتمی آمریکا به ایران. اگرچه آمادگی برای هر شرایطی، یک اصل عقلانی است و از دشمن متجاوز آمریکایی، هیچ جنایتی بعید نیست؛ اما به نظر، این حجم از تبلیغات محافل سیاسی و نظامی و رسانه‌ای آمریکایی درخصوص احتمال حمله اتمی آمریکا به ایران، بیش از آنکه سر در واقعیت عملیاتی داشته باشد، یک پروژه جنگ روانی و ایجاد اضطراب و وحشت اجتماعی در ایران است.

به گزارش «آگاه» از شواهد و قرائن موجود کاملا هویداست که آنچه امروز در قالب احتمالات حمله اتمی به ایران از تریبون‌های غربی و به طور مشخص آمریکایی ساطع می‌شود، بیش از آنکه یک تصمیم نظامی و عملیاتی باشد، خمپاره‌های جنگ روانی دشمن است. دشمنی که از اراده ملت ایران در دفاع، به ستوه آمده، بنابراین می‌خواهد پیروزی میدانی خود را در اتاق‌های تاریک جنگ نرم رقم بزند. سناریوی حمله اتمی، نه یک دکترین عملیاتی، که پروژه فرسایش روان عمومی است؛ هدف نه خاک این سرزمین، که اراده‌ای است که هیمنه پوشالی هژمونی آمریکا را به سخره گرفته است.

تهدید به حمله اتمی، بیش از آنکه یک سناریوی نظامی واقعی باشد، ابزاری در خدمت کمپین جنگ شناختی است؛ هدف اصلی، شکستن تاب‌آوری جامعه و بازی در زمین دشمن با بزرگ‌نمایی سناریوی «اگر بمب اتم بزنند چه می‌شود؟» است.

تبعات دامنگیر استفاده از بمب اتم

دلایلی که تحلیلگران را به امتناع آمریکا از حمله اتمی به ایران، رهنمون می‌سازد، عبارت است از: وسعت و پهناوری سرزمین ایران، امکان پایان جنگ با یک سلاح اتمی را سلب کرده و این ابزار را ناکارآمد می‌سازد. از سوی دیگر، شکستن تابوی استفاده از سلاح اتمی توسط آمریکا، بهانه‌ای خطرناک برای دیگر قدرت‌ها فراهم کرده و ترکش‌های این بحران، دیر یا زود به خاک خود ایالات متحده می‌رسد. همچنین تبعات زیست محیطی و رادیواکتیو، بخش‌های وسیعی از منطقه و جغرافیای متحدان آمریکا را دربر می‌گیرد. توسل به سلاح هسته‌ای، اعتراف به عجز، زوال و شکست نظامی آمریکا در عرصه جنگ متعارف است که تصویر آن را به هیولایی وحشی و مهارنشدنی، بدل می‌سازد.

خطر واقعی در شرایط کنونی، نه حمله اتمی، بلکه احتمال وقوع جنگ متعارف به دلیل محاسبات غلط و توهم کنترل اوضاع توسط ترامپ و نتانیاهو است. دو هفته آینده نقطه اوج حساسیت و ریسک امنیتی ارزیابی می‌شود که پس از آن، نمودار ریسک سیر نزولی به خود خواهد گرفت. بنابراین، هراس از «بمب اتم علیه ایران» باید از دایره محاسبات کنار گذاشته شود؛ چرا که خطر واقعی، جنگ متعارف و هدف قرار دادن تاب‌آوری جامعه از طریق سناریوسازی‌های روانی است.

نقشی‌آفرینی کارلسون در سناریوی ترامپ

پیشتر تاکر کارلسون، مجری معروف آمریکایی که ادعا می‌کند از تیم ترامپ فاصله گرفته است، گفته بود: تحت فشار نتانیاهو، دولت ترامپ ممکن است ظرف چند روز آینده به ایران حمله هسته‌ای کند. هدف، کوه کلنگ در مرکز ایران خواهد بود؛ جایی که به گفته اطلاعات اسرائیل، دولت ایران برنامه غنی‌سازی اورانیوم را از سر گرفته است. هیچ‌یک از تسلیحات متعارف موجود در زرادخانه آمریکا نمی‌تواند ۳۰۰ فوت گرانیت یکپارچه را بشکافد تا تونل‌هایی را نابود کند که ادعا می‌شود غنی‌سازی اورانیوم در آنجا انجام می‌شود. تنها گزینه نظامی، حمله هسته‌ای است. ماه‌ماه‌هاست کورکورانه به این لحظه نزدیک می‌شویم. از فوریه، دولت آمریکا به طور خاموش دکترین هسته‌ای کشور را بازنویسی کرده تا استفاده از آنچه سلاح هسته‌ای میدانی نامیده می‌شود را آسان‌تر و در نتیجه محتمل‌تر کند. هیچ‌کس در واشنگتن، در هیچ‌کدام از دو حزب، ظاهرا نگران این موضوع نیست. اکنون ما در آستانه آن هستیم.

کارلسون همچنین گفته بود که ترامپ احتمالا تصمیم به استفاده از بمب اتم علیه ایران را تا هفت نوامبر اتخاذ کند. نکته مثبتی که در مورد او وجود دارد این است که او در این تصمیم تردید دارد. در حال حاضر، ترامپ به حرف‌های ونس و ویتکاف گوش می‌دهد که هر دو معتقدند توافق با ایران ممکن است.

ولی نصر، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه جانز هاپکینز و مشاور سابق دولت اوباما، در واکنش به اظهارات تاکر کارلسون درباره احتمال نزدیک بودن حمله اتمی به ایران با فشار نتانیاهو و به دست ترامپ نوشت: اگر این خبر صحت داشته باشد، اتهامی سنگین علیه دولت آمریکاست؛ نه به این دلیل که واشنگتن به چنین اقدام جنون‌آمیزی فکر می‌کند، بلکه به این دلیل که ممکن است تحت فشار یک کشور دیگر به انجام آن تن بدهد. اگر این خبر درست باشد، پیامدهای آن برای خاورمیانه فاجعه‌بار خواهد بود و آنچه در خاورمیانه رخ می‌دهد، به این منطقه محدود نخواهد ماند.

اما چرا باید گفته‌های تاکر کارلسون را هم در پازل جنگ روانی و شناختی واشنگتن علیه ایران تعریف کرد؟ در ماه‌های اخیر، گزاره تهدید اتمی ایران از سوی ایالات متحده، بارها از کوچه‌های تاریک محافل امنیتی به تریبون چهره‌های رسانه‌ای راه یافته است. در تازه‌ترین پرده از این نمایش، تاکر کارلسون، مجری جنجالی و مدعی زاویه داشتن با تیم ترامپ، با سناریوسازی پیرامون کوه کلنگ و ناتوانی تسلیحات متعارف در برابر ۳۰۰ فوت گرانیت، مدعی شده است که دولت ترامپ در آستانه توسل به گزینه اتمی قرار دارد. او در این روایت‌پردازی، ترامپ را میان لبه پرتگاه حمله اتمی و تردید ناشی از توصیه‌های ونس و ویتکاف برای توافق تصویر می‌کند. اما فراتر از ظاهر هشدارگونه و دلسوزانه این اظهارات، کالبدشکافی دقیق این سناریو نشان می‌دهد که نه با یک افشاگری مستقل، بلکه با قطعه‌ای مهندسی‌شده از پازل جنگ شناختی واشنگتن روبه‌رو هستیم.

عادی‌سازی شر

هسته مرکزی این گونه روایت‌ها، عادی‌سازی ذهنی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در افکار عمومی جهان و منطقه است. وقتی یک مهره رسانه‌ای منتقد، بی‌محابا از تغییر دکترین هسته‌ای آمریکا سخن می‌گوید و حمله اتمی به تاسیسات ایران را به عنوان تنها گزینه فنی جا می‌زند، در واقع خط قرمزهای اخلاقی و حقوقی بین‌المللی را می‌ساید تا ذهن مخاطب به این گزینه شوم عادت کند.

قرار دادن ترامپ در میانه دو لبه «فشار حداکثری اتمی» و «دیپلماسی توافق»، از زبان چهره‌هایی چون ونس، تکرار کلاسیک تاکتیک «پلیس خوب، پلیس بد» است. هدف، القای این پیام به تهران و افکار عمومی است که زمان به سرعت در حال اتمام است و جمهوری اسلامی ایران باید میان تسلیم در برابر میز مذاکره یا نابودی با بمب اتم یکی را برگزیند؛ سناریویی که هدف اصلی آن شکستن اراده مقاومت از مسیر ارعاب است. تاکر کارلسون، حتی در لباس منتقد حاکمیت آمریکا، از دایره کلان امپراتوری رسانه‌ای و امنیتی غرب بیرون نیست. برجسته‌سازی نفوذ اطلاعاتی ادعایی اسرائیل و بزرگ‌نمایی ماجرای استفاده از بمب اتم، رعب‌آفرینی هندسی‌شده‌ای است که پمپاژ ناامیدی و فلج‌سازی تصمیم‌گیری استراتژیک را در ایران در دستور کار دارد.

آنچه کارلسون تحت عنوان هشدار از درون واشنگتن، روایت می‌کند، نه یک پیش‌بینی محتوم، بلکه ابزاری در کارزار عملیات روانی ایالات متحده است. ماشین جنگ شناختی دشمن می‌کوشد با ترسیم آخرالزمانی از جنگ، ملت ایران را تسلیم اراده سیاسی خود کند؛ خیالی خام که در برابر دژ استوار اراده ملی و قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، راه به جایی نخواهد برد.

پیامدهای شکست در جنگ با ایران و شکست انتخاباتی، در حال عیان شدن است

دست‌های خالی جنایتکار

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه سی‌بی‌اس اعلام کرد احتمالا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، تعدادی دیگر از وزرای کابینه خود را برکنار خواهد کرد. ترامپ با این حال، نام هیچ‌یک از مقام‌های ارشدی را که احتمال برکناری آنها وجود دارد، اعلام نکرد.

به گزارش «آگاه» نیویورک تایمز نیز گزارش داده که احتمالا کارجی دی ونس، معاون اول رئیس جمهور آمریکا تمام است و او کابینه ترامپ را به سبب مخالفت آشکار با جنگ ایران و عصبانیت از شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان در کنگره، ترک خواهد کرد.

شبکه سی بی اس پیشتر نیز گزارش داده بود که ترامپ نظر مشاوران خود را در خصوص برکناری پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا در پی شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای این کشور جویا شده است. همچنین اخباری در خصوص احتمال استعفای مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا منتشر شده بود که با واکنش وی مواجه شد. لازم به ذکر است تنها اندکی بعد از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات آمریکا سه تن از چهره‌های برجسته وزارت دادگستری این کشور استعفا دادند.

ونس و فاصله گرفتن از ترامپ

خبرگزاری رویترز در گزارشی نوشت جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا در روزهای پایانی کارزار انتخابات میان دوره‌ای راهبرد خود را تغییر داد و به جای دفاع از عملکرد دونالد ترامپ، بیشتر بر موضوعاتی تمرکز کرد که هویت سیاسی مستقل او را شکل می‌دهند. بررسی رویترز از ۶ سخنرانی ونس از زمان نشست جمهوری‌خواهان در ماه سپتامبر نشان می‌دهد او برای جلب حمایت رأی‌دهندگان، عمدتا بر محور برنامه‌های سیاسی خود استدلال کرده است. این تغییر در شرایطی صورت گرفت که کاهش محبوبیت ترامپ به موقعیت نامزدهای جمهوری‌خواه در انتخابات آسیب زد.

به گفته دو منبع آگاه از راهبرد انتخاباتی ونس، او و مشاورانش موضوعاتی مانند ملی‌گرایی اقتصادی، خویشتن‌داری در سیاست خارجی و امنیت عمومی را از نظر سیاسی تاثیرگذارتر می‌دانستند و معتقد بودند ونس می‌تواند با اتکا به این حوزه‌ها، موضعی مستقل‌تر از ترامپ اتخاذ کند. اگرچه ونس هنوز درباره نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ اظهارنظر نکرده و ترامپ نیز از او یا نامزد دیگری حمایت نکرده است، معاون رئیس جمهور یکی از گزینه‌های اصلی احتمالی جمهوری‌خواهان برای جانشینی ترامپ به شمار می‌رود. با این حال، او برای موفقیت در رقابت‌های آینده باید بخش بزرگی از ائتلاف انتخاباتی ترامپ را حفظ کند و همزمان خود را از پیامدهای سیاسی عملکرد رئیس جمهور جدا سازد.

فاصله‌گیری علنی از جنگ علیه ایران

ونس روز چهارشنبه با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی، ارزیابی صریحی از شکست جمهوری‌خواهان ارائه کرد و جنگ ایران را یکی از عوامل ناکامی این حزب دانست. او خواستار پایان سریع جنگ شد و بر ضرورت تمرکز جمهوری‌خواهان بر هزینه‌های زندگی، بازنگری در روابط خارجی و تغییر در مناسبات آمریکا با رژیم صهیونیستی تاکید کرد. این موضع‌گیری برای نخستین بار ونس را به‌طور علنی در صف حامیان پایان دادن به جنگ قرارداد. با این حال، سه منبع آگاه از ارتباطات کاخ سفید و معاون رئیس جمهور به رویترز گفتند که این پیام به معنای اختلاف ونس با ترامپ نبوده و سوزی وایلز، رئیس دفتر کاخ سفید پیشاپیش از انتشار آن اطلاع داشته است. ترامپ نیز پذیرفته است که افزایش قیمت بنزین در پی جنگ علیه ایران در شکست جمهوری‌خواهان نقش داشته، اما همچنان از تصمیم خود برای آغاز جنگ دفاع می‌کند. او روز چهارشنبه گفت: اگر به گذشته برگردم، هیچ کاری را متفاوت انجام نمی‌دهم. رویترز نتوانسته است مشخص کند که ترامپ پیش از انتشار پیام ونس از محتوای آن اطلاع داشته است یا خیر. دونالد ترامپ جونیور، پسر ارشد رئیس جمهور آمریکا و شماری از متحدان محافظه‌کار نیز از موضع‌گیری معاون رئیس جمهور حمایت کردند.

تلاش برای تعیین دستور کار جمهوری‌خواهان

مایکل ریچی، راهبردپرداز جمهوری‌خواه و مشاور پیشین رؤسای مجلس نمایندگان آمریکا معتقد است موضع‌گیری ونس باعث شده است محافظه‌کاران درباره پیامدهای جنگ و اصولی که نامزدهای جمهوری‌خواه در انتخابات ۲۰۲۸ باید دنبال کنند، بحث کنند. به گفته او، اقدام ونس صرفا تلاشی برای متمایزکردن خود از ترامپ نیست، بلکه استفاده از جایگاه معاونت ریاست جمهوری برای تعیین محورهای بحث سیاسی آینده است. در مقابل، دموکرات‌ها قصد دارند در انتخابات ۲۰۲۸ ونس یا هر نامزد جمهوری‌خواه دیگری را به عملکرد ترامپ پیوند بزنند؛ به ویژه اگر رئیس جمهور نقش گسترده‌ای در انتخاب نامزد نهایی این حزب داشته باشد.

ایگور ولسکی، راهبردپرداز دموکرات گفت: ونس با چالش دشواری روبه‌رو است؛ زیرا باید هم در انتخابات عمومی موقعیتی قابل قبول به دست آورد و هم در رقابت‌های درون‌حزبی حمایت جریان وفادار به ترامپ را حفظ کند. با این حال، تلاش ونس برای تثبیت جایگاه سیاسی خود از آسیب‌های شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان مصون نمانده است. این حزب در ایالت‌هایی که معاون رئیس جمهور در آنها کارزار انتخاباتی برگزار کرده بود، شکست خورد.

اقدام جنجالی ترامپ بعد از شکست انتخاباتی

یک انتصاب جنجالی دیگر توسط ترامپ آن هم بعد از شکست انتخاباتی سنگین موجی از انتقادات را در آمریکا برانگیخته است. انتصاب استفان میلر از چهره‌های تندرو دولت دونالد ترامپ به ریاست دفتر کارکنان کاخ سفید با موجی از انتقادات دموکرات‌ها و حتی برخی جمهوری‌خواهان روبه‌رو شده است.

چاک شومر، رهبر دموکرات‌های سنا گفت: دونالد ترامپ از شکست تاریخی جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای هیچ درسی نگرفته است. میلر، معمار غیرانسانی‌ترین سیاست‌های دولت ترامپ است و دموکرات‌ها در کنگره در برابر او خواهند ایستاد. حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا نیز میلر را بیگانه‌ستیزی خطرناک و افراط‌گرایی بی‌پروا خواند و خواستار برکناری فوری او شد. رابرت گارسیا، نماینده دموکرات و گزینه ریاست کمیته نظارت مجلس نمایندگان نیز هشدار داد، میلر باید برای پاسخگویی حقوقی آماده شود. او اعلام کرد دموکرات‌ها تحقیقات درباره تخلفات احتمالی میلر را ادامه خواهند داد و با سیاست‌های او در کنگره و دادگاه‌ها مقابله می‌کنند. بکا بالینت، نماینده دموکرات آمریکا نیز گفت: مردم این کشور در انتخابات اخیر مخالفت خود را با سیاست‌های غیرانسانی دولت ترامپ نشان دادند، اما رئیس جمهور در واکنش به این نتیجه معمار برخی از بدترین تصمیمات دولتش را ارتقا داده است.

آنتونی اسکاراموچی، مدیر پیشین ارتباطات کاخ سفید در دوره نخست ترامپ نیز این انتصاب را نشانه بی‌توجهی رئیس جمهور به پیام انتخاباتی رای‌دهندگان دانست و گفت: ترامپ با ارتقای میلر تصور می‌کند راه حل شکست جمهوری‌خواهان را پیدا کرده است. همچنین مارلین استاتزمن، نماینده جمهوری‌خواه ایالت ایندیانا این انتصاب را تصمیمی وحشتناک خواند و دان بیکن، نماینده جمهوری‌خواه ایالت نبراسکا آن را انتخابی نامناسب توصیف کرد. روزنامه ایندیپندنت نیز به نقل از یک جمهوری‌خواه نوشت میلر با مواضع خود درباره مهاجرت، موجب از دست رفتن کرسی‌هایی در تگزاس و آریزونا شده است زیرا بخشی از رای‌دهندگان لاتین‌تبار که در انتخابات ۲۰۲۴ به ترامپ رای داده بودند، از این رویکرد فاصله گرفته‌اند.

متهمانی که نام‌شان در پرونده وجود ندارد!

کپی‌برداری عفو بین‌الملل از اخبار نامعتبر ضد انقلاب

عدد سازی از احکام قضایی به ویژه احکام اعدام، به یکی از محورهای تکرارشونده فعالیت رسانه‌های ضدایرانی و برخی مجامع موسوم به حقوق بشری تبدیل شده است؛ جریانی که با انتشار اسامی افراد و طرح ادعاهایی درباره وضعیت پرونده‌های قضایی، تصویری از صدور احکام قطعی و اجرای قریب‌الوقوع آنها ارائه می‌کند که بررسی وضعیت واقعی پرونده‌ها، در موارد متعدد، با آن مطابقت ندارد.

در این خبرسازی‌ها، اسامی چند متهم با تصاویر آنها منتشر شده و ادعا می‌شود این افراد در صف اعدام قرار دارند. تازه‌ترین نمونه این رویکرد، ادعاهایی است که سازمان جهانی عفو بین‌الملل درباره پرونده میدان علیخانی اصفهان مطرح کرده است. عفو بین‌الملل که گزارش‌های ضد ایرانی خود را از رسانه‌های معلوم‌الحال خارج‌نشین دریافت می‌کند، اخیرا مدعی شده است، در پرونده میدان شهید علیخانی اصفهان ۶ نفر در خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند.

اما پیگیری‌های انجام شده درباره وضعیت قضایی افراد معرفی شده، روایت دیگری از این پرونده ارائه می‌کند؛ روایتی که نشان می‌دهد ادعاهای مطرح‌شده درباره صدور احکام اعدام، با واقعیت مطابقت ندارد. دو نفر از افرادی که نام آنها در این گزارش‌ها مطرح شده، اساسا در پرونده میدان علیخانی اصفهان متهم نیستند. درباره نفر سوم نیز حکمی قابل اجرا صادر نشده است. به این ترتیب، ادعای صدور و اجرای قریب‌الوقوع احکام اعدام برای این افراد، در حالی به یک گزارش حقوق بشری راه پیدا کرده که دست‌کم درباره سه نفر از افراد معرفی‌شده، اطلاعات منتشرشده با وضعیت قضایی اعلام‌شده مطابقت ندارد.

از ادعای رسانه‌ای تا گزارش حقوق بشری

آنچه در این پرونده اهمیت دارد، صرفا انتشار یک خبر نادرست درباره وضعیت چند متهم نیست؛ بلکه مسیری است که یک ادعای تاییدنشده طی می‌کند تا در نهایت در قالب یک گزارش حقوق بشری، به‌عنوان ادعایی درباره وضعیت متهمان مطرح شود.

در این روند، رسانه‌های ضدانقلاب با انتشار اسامی افراد و ادعای صدور احکام اعدام، زمینه شکل‌گیری روایت کذب و غلط را فراهم می‌کنند؛ سپس همین ادعاها در گزارش‌های نهادهایی مانند عفو بین‌الملل بازتاب پیدا می‌کند. در پرونده میدان علیخانی نیز عفو بین‌الملل با استناد به اطلاعات منتشرشده از سوی این رسانه‌ها، از صدور احکام اعدام برای ۶ نفر و اجرای قریب‌الوقوع احکام آنها خبر داده است؛ در حالی که پیگیری وضعیت قضایی افراد معرفی‌شده، دست‌کم درباره سه نفر، ادعاهای مطرح‌شده را تایید نمی‌کند.

تکرار یک الگو؛ از پرونده میدان علیخانی تا ادعای اعدام هفت زن

خبرسازی درباره پرونده میدان علیخانی، نخستین نمونه از این دست ادعاها نیست. در هفته‌های گذشته نیز رسانه‌های ضدانقلاب با انتشار اسامی هفت زن، مدعی شده بودند که برای این افراد حکم اعدام صادر شده و آنها در آستانه اجرای حکم قرار دارند. پیگیری‌های انجام‌شده درباره وضعیت قضایی این افراد نشان داد که هیچ حکم قطعی اعدامی برای آنها صادر نشده و پرونده‌های‌شان همچنان در محاکم قضایی در حال رسیدگی است. پیشتر نیز ادعای صدور حکم اعدام برای هشت زن در ایران در رسانه‌های ضدایرانی مطرح شد و دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، با بازنشر ادعای یک فعال صهیونیست آمریکایی-یهودی در فضای مجازی، مدعی شد ایران در آستانه اعدام این افراد است. در آن مقطع نیز بررسی‌ها نشان داد تعدادی از آنها آزاد شده‌اند، برخی با اتهاماتی مواجه بودند که در صورت تایید حکم از سوی دادگاه، مجازات آنها حبس بود و هیچ‌یک از این افراد حکم قطعی اعدام نداشتند.

عراقچی در ۴۸ ساعت با ۱۲ وزیر خارجه رایزنی کرد
تاکید بر امنیت منطقه‌ای بدون مداخله خارجی



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز شنبه ۱۶ آبان در پیامی اینستاگرامی با اشاره به تحرکات دیپلماتیک روزهای اخیر نوشت: در ۴۸ ساعت گذشته در گفت‌وگوهای تلفنی جداگانه با ۱۲ نفر از همتایانم از کشورهای عمان، مصر، اردن، عربستان سعودی، قطر، قبرس، ترکیه، کویت، امارات متحده عربی، تونس، عراق و پاکستان، آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و پیامدهای اقدامات تنش‌زای آمریکا و رژیم صهیونیستی را بررسی و تبادل نظر کردیم.

وزیر امور خارجه در تشریح جزئیات این تماس‌ها گفت: در این رایزنی‌ها، ضمن تشریح مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران، بر ضرورت احترام به حاکمیت ملی کشورها، توقف تجاوز و تهدید، پرهیز از مداخلات مخرب خارجی و مسئولیت کشورهای منطقه در جلوگیری از گسترش ناامنی تصریح کردم. عراقچی افزود: همچنین بر حق مشروع کشورمان در دفاع از حاکمیت و امنیت ملی خود و ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیتی منطقه‌ای بدون مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای تاکید کردم.

پاسخ رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس به ادعای تازه تل‌آویو

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که گزارش‌های رسانه غربی به نقل از مقامات صهیونیستی درباره برنامه تهران برای استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه دشمنان کذب است.

ابراهیم عزیزی در گفت‌وگو با خبرگزاری روسی ریانووستی افزود: اتهام‌زنی، دروغ‌گویی، تحریف واقعیت و وارونه جلوه دادن مسائل، از ویژگی‌های رژیم اسرائیل است؛ در این موضوع هیچ تردیدی وجود ندارد. پیش از این، روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» به نقل از مقامات ناشناس مدعی شده بود: اسرائیل اطلاعاتی را با ایالات متحده به اشتراک گذاشته که ادعا می‌کند ایران استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه دشمنان خود را مد نظر داشته است. در این پیوند، تریتا پارسی، تحلیلگر مسائل بین‌المللی و معاون اجرایی اندیشکده کوئینسی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اسرائیل با ادعای سلاح شیمیایی ایران به دنبال بحران‌سازی تازه است. وی افزود: اسرائیل سال‌ها خط تبلیغاتی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران را پیش برد تا میان آمریکا و ایران بحران ایجاد کند. این تحلیلگر مسائل بین‌المللی ادامه داد، اکنون نیز ادعای وجود تسلیحات شیمیایی در ایران را مطرح کرده است.



سعید حدادیان، دبیر بیست‌وسومین همایش سوختگان وصل:

«امام شهید» محور بیست‌وسومین همایش سوختگان وصل شد

مقاومت زنانه ۱۳

گشودن درهای خانه به روی مهمانان
خانه‌ای که کش می‌آید

روایت سیزدهم از ستون مقاومت زنانه، تصویر بانویی معمار و تحصیلکرده است که برج‌های مدرن شمال تهران را رها کرده و خانه‌اش را به پناهگاهی گرم برای اسکان مهمانان استان فارس تبدیل کرده است. او که با اقتدار پای پرچم کشورش ایستاده و شبانه‌روز به خدمت‌رسانی مشغول است، نشان می‌دهد عظمت انسان‌ها در وسعت دلشان نهفته است؛ زنانی که با دستانی باز ستون‌های استقامت را در پایتخت محکم نگه داشته‌اند.

ـ خیلی شبیه ما نیستن ولی الان چهار روزه که ۴۰-۵۰ نفر از خانم‌ها رو توی خونه‌شون جا دادن.

خانم مهندس را مهدی معرفی کرد؛ اکبرزاده. استان فارس نشین‌ها را برای اسکان، حواله داده بودند به منطقه ۲۲ تهران. بعضی توی مساجد سکونت داشتند و تعدادی را هم فرستاده بودند خانه‌های مردم. خانم مهندس و آقای دکتر یکی از آن خانه‌ها بودند. مهدی می‌گفت: «انگار خونه‌شون کش میاد. هرچی می‌فرستیم بازم جا میده.» آدرس را گرفتم و رفتم سمت خانه‌شان. ریخت و قیافه محله به بالاشهری‌ها می‌خورد؛ برج‌هایی که وقتی می‌خواستی طبقاتش را بشماری، کلاه از سرت می‌افتاد؛ تیپ و قیافه مردم، نما و اسم مغازه‌ها.

خانه خانم مهندس رزاق شباهتی به آن چیزی که در ذهنم ساخته بودم نداشت؛ شیک ولی شلوغ‌پلوغ بود. وقتی وارد شدم، تعدادی از خانم‌ها هنوز پای سفره، شام‌شان را می‌خوردند. کمی آن طرف‌تر روی تشکچه راحتی قهوه‌ای سوخته‌ای نشستیم و مصاحبه را شروع کردم. خانم مهندس لهجه شمالی داشت؛ مازنی: «آقای دکتر گفت کاش می‌تونستیم از کسایی که برای تشییع آقامیان، پذیرایی می‌کردیم. خانه‌ام به هم ریخته بود. پیش از محرم دخترم را فرستاده بودم خانه شوهرو وسایل سوییت پایین را آورده بودم بالا ولی نه... نیاوردم. پیام دادم که اسم ما رو هم برای پذیرایی بنویسن.»

خانم رزاق آدم نازپرورده‌ای نبود. کسی که سه تا مدرک لیسانس داشته باشد که یکیش مهندسی معماری دانشگاه تهران است، حتما خودش را به خیلی سختی‌ها عادت داده. خودش ولی می‌گفت برای آماده کردن خانه کارهایی کرده که توی عمرش سراغ‌شان نرفته: «زنگ زدند که دو، سه ساعت دیگر می‌رسند. من برای شنبه تا دوشنبه آماده شده بودم ولی گفتم بسم‌الله، شروع می‌کنم. همان موقع کارگر گرفتم و خانه خودمان و سوییت طبقه همکف را مرتب کردم. برای ۱۴-۱۵ نفر هم بالشت جدید دوختم. گفتم بالشت تمیز بگذارند زیر سرشان.» وقتی چای و هندوانه را جلوی‌مان گذاشتند و تعریف‌ها کمی گرم گرفت، سوالی پرسیدم که از اول مصاحبه توی ذهنم بود: «همسایه‌هاتون از این کار تعجب نکردند؟» لبخند زد: «بعضی‌ها که استایل و طرز پوششم رو می‌بینن، تعجب می‌کنن که من طرفدار رهبری باشم. میگن خانم مهندس ما فکر نمی‌کردیم. بهشون میگم از این به بعد فکر کنین!» بلافاصله خاطره روزی را تعریف می‌کند که پرچم ایران را از نمای خانه‌اش آویزان کرده: «اون روز خیلی اعتراض کردن. گفتم خجالت نمی‌کشین؟ من سفر خارجی که میرم همه به پرچم کشورشون افتخار می‌کنن و می‌زنن سردر مغازه‌ها و خونه‌هاشون. شماها چتونه؟ دیدن حریفم نمیشن؛ گفتن آخه نمای ساختمون خراب میشه. گفتم هیچ اشکالی نداره. برای هفت طبقه با پول خودم پرچم می‌خرم تا نمای همه ساختمون یه شکل بشه.»

خودش چیزی نمی‌گوید ولی می‌توانم حدس بزنم که «شأن اجتماعی»شان هم باعث شده خیلی‌ها جرأت زبان‌درازی نداشته باشند. وقتی خودت آرشیتکت پروژه‌های بزرگ باشی و همسرت متخصص بیهوشی و پزشک مطرح بزرگ‌ترین بیمارستان‌های تهران، خیلی‌ها جلویت غلاف می‌کنند و حرف‌هایشان را قورت می‌دهند. خانم رزاق آدم حواس جمعی است. این را از وسط‌های مصاحبه می‌فهمم. وقتی دائم اسم همسایه‌ها و هم محله‌ای‌هایی را می‌آورد که این چند روز کمکش کرده‌اند؛ «این خانم فاطمی عزیز هم با اینکه پاشون توی گچه، چند روزه دارن به من کمک میدن.»، «خانم خسروی عزیز و خانم ظهره‌وند مهربان و عبدی نازنین و اسفندیاری بزرگوار بهم گفتن تو برو مصلی وداع کن با آقا. ما خودمون حواسمون به مهمونات هست.» این دقت را برای همسایه‌های دیگری که احتمالا دل خوشی از نظام ندارند، یک‌طور دیگری داشته تا مشغول ذمه‌شان نشود: «به همه اعلام کردم این یک هفته شارژ آسانسور کل ساختمون و آب طبقه با من.»

مصاحبه که به نفس‌های آخرش رسیده بود، خانم رزاق دعوتم کرد تا به اتاقی بروم که در ایام جنگ به خاطر موشک‌هایی که به هوافضا اصابت کرده، آسیب دیده: «روزای آخر دیگه داشتم ناراحتی اعصاب می‌گرفتم. موج انفجار در اتاق رو از جا کند. قاب پنجره رو هم خراب کرد ولی من گفتم باید تهران بمونم و ندارم پایتخت خلوت بشه.»

ساعت از ۱۱ گذشته بود. خستگی از سر و روی خانم مهندس می‌بارید؛ «الان سه شبه که نخوابیدم. هر مهمونی که وارد میشه، هر ساعت شبانه‌روز، سعی می‌کنم براش چای و شیرینی بیارم. توی این روزها فقط راه میرم و با آقا درد دل می‌کنم. میگم آقا فقط نیگام کن. حواست بهم باشه.»

عکس‌هایم را می‌گیرم و خداحافظی می‌کنم. توی مسیر برگشت ولی به این فکر می‌کنم که بزرگ‌ترین فتح آقای شهیدمان نه شهرک‌های موشکی و پایگاه پهپادی که انسان‌های بزرگ و رشیدی است که پرورش داده! مثل خانم رزاق و همسرش. مثل همسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌هایشان در منطقه ۲۲ تهران.



بازخوانی نقش شاهکار نادر ابراهیمی در روایت خودآگاهی ایرانی
بازگشت به خویشتن



یک ملت پیش از آنکه با مرزهای جغرافیایی یا پرچم‌ها تعریف شود، با قصه‌هایش زنده می‌ماند؛ با آن نقطه تلاقی شگفت‌انگیزی که در آن عقل نقاد روبه‌روی جنون شهود زانو می‌زند. کتاب «مردی در تبعید ابدی» نادر ابراهیمی صرفا بازخوانی سرگذشت صدرالدین محمد شیرازی نیست، بلکه احضار هویتی فراموش‌شده از دل قرون غبارگرفته به عصر اضطراب معاصر است. رمان فلسفی در این سرزمین، تفنن ادبی یا خودنمایی روشنفکرانه به حساب نمی‌آید، بلکه نیاز حیاتی جامعه‌ای است که اگر اندیشیدن را در قالب قصه و تخیل بازتولید نکند، در چرخ‌دنده‌های بی‌هویتی خرد خواهد شد. ابراهیمی با پیوند زدن حکمت متعالیه ملاصدرا به رنج زیسته یک متفکر عاصی، پلی استوار میان تفکر بومی و تشنگی روح معاصر بنا کرد. این نوشتار واکاوی این پرسش بنیادین است که چگونه روایت‌های داستانی اندیشه محور می‌توانند ستون‌های لرزان هویت ملی را استوار نگه دارند و روح سرگردان یک ملت را به خانه بازگردانند.

«مردی در تبعید ابدی» پیش از آنکه قصه یک فیلسوف باشد، مانیفست انسان ایرانی جست‌وجوگراست؛ انسانی که حاضر نیست هویت خود را به سکه‌های تقلید بفروشد. ابراهیمی با لحن آهنگین و قلم تپنده‌اش کاری کرد که حکمت متعالیه دیگر یک تئوری دست‌نیافتنی نباشد، بلکه به ماده خام ساختن یک ملت آگاه تبدیل شود. در این شاهکار، فلسفه دیگر زبان گنگ مفاهیم تجریدی نیست، بلکه نبض حیات، استقامت و مبارزه یک روح ناآرام است.

شکستن انحصار تفکر انتزاعی

یکی از دردهای مزمن تاریخ فکری ما، شکاف هولناک میان توده‌های مردم و اندیشمندان بوده است. در سنت تاریخی ما، حکمت همواره در برج‌های عاج محصور ماند. حکما به زبان خواص نوشتند و مردم در دالان‌های ناآگاهی گم شدند. درست در همین پرتگاه تاریخی است که ضرورت رمان فلسفی رخ نشان می‌دهد. رمان، دموکراتیک‌ترین قالب بیانی جهان نو است؛ ظرفی که توانایی دارد عمیق‌ترین مفاهیم وجودی، پیوند اصالت وجود با ماهیت و حرکت جوهری جهان را به خون جاری در رگ‌های انسان کوچه و بازار بدل کند. وقتی ابراهیمی سفر درونی صدرالدین را از شیراز به اصفهان و سپس تبعید تلخ او به کهک روایت می‌کند، خواننده ناخودآگاه با فیلسوف هم‌قدم می‌شود. خواننده همراه با او رنج می‌کشد، بوی خاک نم‌خورده کاروانسراها را حس می‌کند، برق خنجر تعصب را در تاریکی شب می‌بیند و می‌فهمد که اندیشیدن هزینه دارد. وقتی فلسفه تن به قصه داد، هویت دیگر یک واژه انتزاعی در بیانیه‌های سیاسی نخواهد بود؛ تبدیل به خونی می‌شود که در فرهنگ جاری است و نسل به نسل منتقل می‌شود.

بازتعریف ریشه‌ها میان سنت و تجدد

جامعه امروز ما در برزخ ایستاده است؛ برزخی میان یک گذشته دور و دست‌نیافتنی و تجددی شتابان که اغلب بی‌ریشه و مصرفی وارد شده است. بحران هویت درست در همین گسست متولد می‌شود. نسل جوان در جست‌وجوی پاسخ پرسش‌های بنیادین خویش اغلب به سمت متون ترجمه‌ای رو می‌آورد؛ نه از سر بی‌مهری به سنت، بلکه به این دلیل که کسی اندیشه بومی را با زبان زمانه برای او روایت نکرده است. ما فیلسوفان غربی را از طریق رمان‌های آزادی‌خواهانه و انسان‌محور سارتر و کامو شناختیم، در حالی که مخازن عظیم اندیشه خودمان پشت سد زبانی کهنه دست‌نخورده باقی ماند.

کاری که ابراهیمی در «مردی در تبعید ابدی» انجام داد، بازسازی خلاقانه این پل ویران بود. او نشان داد مفاهیمی مانند غربت روح، جست‌وجوی حقیقت، مواجهه با تباهی و مرگ‌آگاهی قرن‌ها پیش از ظهور مکاتب غربی، در اندیشه صدرایی با شدتی شگفت‌انگیز زیسته شده‌اند. رمان فلسفی ابزاری راهبردی برای بازتولید هویت ملی است، زیرا سنت را نه مومیایی‌شده در موزه، بلکه زنده، تپنده و پاسخگو به بحران‌های روز بازتعریف می‌کند.

معماری روان ایرانی در آینه روایت

هویت، یک مفهوم ایستا نیست؛ جویباری پویا است که مدام باید از چشمه‌های درونی تغذیه شود. اگر ملتی داستان‌های فلسفی خودش را نسازد، داستان‌های دیگران او را تسخیر خواهند کرد. رمان فلسفی فراتر از سرگرمی، یک کارگاه عظیم هویت‌سازی است. در این کارگاه، ناخودآگاه جمعی صیقل می‌خورد و مرزهای عزت نفس تاریخی ترسیم می‌شود. ابراهیمی در کتاب خود نشان می‌دهد که ملاصدرا قربانی شرایط نبود، بلکه معمار سرنوشت خود شد. این تلقی از انسان ایرانی، پادزهر یاس تاریخی است. ملتی که بداند ریشه‌های تفکرش بر ایستادگی، شهامت شک کردن، بازاندیشی و تاب‌آوری در برابر تحجر بنا شده، در مواجهه با تندبادهای فرهنگی از جا کنده نمی‌شود. رمان فلسفی آینه‌ای پیش روی جامعه می‌گذارد تا ببیند کیست، از کجا آمده و مهم‌تر از همه، حامل چه بارگرانی از خرد و معناست.

زبان فاخر و افسون رهایی

نمی‌توان از شاهکار نادر ابراهیمی سخن گفت و از جادوی زبان او عبور کرد. ابراهیمی نثر فارسی را به اوج صلابت و فخامت رساند. واژه‌ها در دست او سنگ‌ریزه‌های بی‌جان نیستند، بلکه جرقه‌های آتشی هستند که بر انبار باروت جان خواننده می‌نشینند. هویت ملی در بطن زبان نفس می‌کشد و ابراهیمی با پیوند زدن زبان کهن و پرشکوه به دغدغه‌های ملموس داستانی، خانه‌ای نو برای زبان فارسی بنا کرد.

این زبان خود به یک پایگاه مقاومت فرهنگی بدل می‌شود. وقتی کلمات با وقار، محکم و باصلابت چیده می‌شوند، ذهن مخاطب از شلختگی و ابتذال کلامی نجات پیدا می‌کند. ادبیاتی که تفکر فلسفی را در ظرف زبانی شکوهمند عرضه می‌کند، به خواننده غرور زبانی می‌بخشد. همین غرور زبانی است که نخستین خاکریز حفظ هویت ملی در برابر هجوم امواج یکدست‌ساز جهان مدرن به شمار می‌آید.

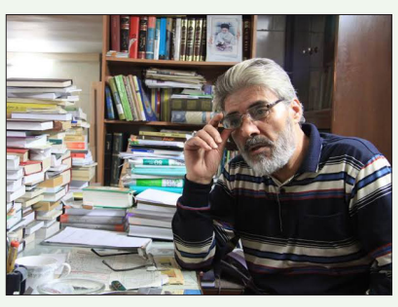
نیازمند هزاران تبعید ابدی

جامعه‌ای که قصه نیندیشد، حق تصمیم‌گیری برای آینده خود را از دست می‌دهد. نگاه به تجربه موفق نادر ابراهیمی به ما گوشزد می‌کند که امروز بیش از هر زمان دیگر محتاج تکثیر چنین آثاری هستیم. قفسه‌های کتاب ما پر از رمان‌های عامه‌پسند بی‌مایه یا ترجمه‌های کپی‌پیست از دغدغه‌های بیگانه است. در این میانه، میراث فکری ما همچنان خاک می‌خورد. چند رمان‌نویس شجاعت داشته‌اند که سراغ سهروردی، این شیخ شهید اشراق بروند؟ چند نویسنده توانسته‌اند حیرت عطار یا دردهای ابوریحان بیرونی را به رمان تبدیل کنند؟

سکوت در این حوزه، بهای گزافی دارد؛ بهایی به وسعت تهی شدن ذهن نسل آینده از هر تکیه‌گاه اصیل معنایی. بازتولید هویت ملی با شعار، همایش‌های پرخرج یا تابلوهای تبلیغاتی ممکن نیست. هویت در خلوت انس خواننده با کتاب ساخته می‌شود؛ آنجا که در نیمه‌شب، چشمان یک جوان معاصر با خواندن فرازهای غربت ملاصدرا خیس می‌شود و در اعماق وجودش حس می‌کند او نیز تکه‌ای از همین تاریخ، همین رنج و همین شکوه است.

«مردی در تبعید ابدی» تنها یک رمان درباره گذشته نیست، چراغی درخشان برای پیمودن مسیر تاریک آینده است. نادر ابراهیمی نشان داد که می‌توان از ژرفای فلسفه، داستانی شورانگیز برای همه زمان‌ها خلق کرد؛ روایتی که در آن انسان، تفکر، رنج و رهایی دست در دست یکدیگر می‌گذارند تا هویتی نامیرا و تسلیم‌ناپذیر پدید آورند. امروز اگر می‌خواهیم روح ایرانی را از پریشانی، انفعال و سرگشتگی نجات دهیم، باید شجاعت اندیشیدن را در کالبد قصه بدمیم و باور کنیم تبعید راستین، نه دوری از خاک، بلکه بیگانگی با خویشتن و فراموش کردن ریشه‌هاست.

خاموشی راوی صبور طولانی‌ترین رمان تاریخ دفاع مقدس
پایان جاده جنگ



مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: مرگ پایان کسانی نیست که کلمات را سنگر ساختند تا حافظه یک سرزمین از غبار فراموشی پاک بماند. منصور انوری در سکوت رفت، اما رد پای قلم استوار او در حافظه ادبیات این مرزوبوم تا ابد نقش بسته است. نویسنده‌ای متولد خاک صبور نیشابور که بیش از سه دهه از عمر خویش را وقف کالبدشکافی تاریخ معاصر و روایت مقاومت انسان ایرانی کرد. نام او با «جاده جنگ» گره خورده است؛ بلندترین حماسه داستانی این دیار که در ۱۲ جلد، تندبادهای سیاسی و اجتماعی را از شهریور ۱۳۲۰ تا روزهای آتش و خون دفاع مقدس پیش چشم مخاطب نشاند. انوری خالق آثاری ماندگار مانند «از عشقاباد تا عشق‌آباد» و مجموعه «قربانگاه عشق» بود؛ مردی که تا واپسین روزهای زیستن و حتی در پنجه بیماری سخت، سنگر نوشتن را خالی نکرد و جوایز متعدد معتبر ادبی تنها گوشه‌ای از قدرشناسی اهل قلم از سلوک کم‌نظیر او بود.

از دل روستاهای نیشابور، سرزمینی که تاریخ آن با هجوم، زخم، ایستادگی و نبوغ عجین است، مردی برخاست که خوب می‌دانست هویت بدون روایت، غبار روی باد است. منصور انوری در سال ۱۳۳۴ متولد شد و بعدها دریافت رسالت تاریخی او، نه فقط نظاره‌گر بودن، بلکه مکتوب کردن غیرت و دردهای نسلی است که بار امانت دفاع از مرز و عقیده را به دوش کشیدند. او نوشتن را تفنن ندانست؛ آن را نوعی جهاد با قلم و مبارزه‌ای تمام‌عیار علیه فراموشی دید و بیش از ۳۰ سال پای این عهد ماند.

۱۲ منزل در جاده حماسه

ادبیات داستانی ما شاید کمتر نویسنده‌ای به خود دیده باشد که شجاعت و صبر منصور انوری را برای پیمودن راه‌های ناهموار داشته باشد. وقتی دست به کار خلق «جاده جنگ» شد، خیلی‌ها وسعت این افق را باور نداشتند. رمانی ۱۲ جلدی که صرفا قصه جبهه‌ها نبود، بلکه روان‌کاوی جامعه ایرانی در بزنگاه‌های سخت تاریخ به شمار می‌رفت. انوری دست مخاطب را گرفت و از اشغال خاک وطن در شهریور ۱۳۲۰ عبور داد، فراز و نشیب‌های قیام مردم را نشان داد و سرانجام او را به سنگرهای گرم خوزستان رساند. این اثر عظیم، آینه تمام‌نمای ایستادگی ملتی بود که زیر بار تحقیر نرفت و پیروز میدان ماند.

پرواز بر فراز آشیانه کلمات

هنر انوری محدود به خطوط مقدم نماند. قلم او از عشق تا شهادت را با ظرافتی شگفت‌آور پیوند زد. در «از عشقاباد تا عشق‌آباد» بار دیگر ثابت کرد که مرزهای جغرافیایی پیش پای ارادت و حقیقت رنگ می‌بازند. مجموعه «قربانگاه عشق» پیشکش خالصانه او به شهیدان راه میهن بود و آثاری مانند «قلب تپنده» و «برفراز آشیانه عنقا» به همراه متن فیلم‌نامه‌های تلویزیونی گوناگون، کارنامه او را به ویترینی زرین از ادبیات متعهد تبدیل کرد. نشان‌های پرشمار ادبی، از برگزیده شدن در جایزه جلال آل احمد و کتاب سال جمهوری اسلامی تا فتح جایزه قلم زرین و کتاب فصل، تنها واکنش رسمی جامعه به نبوغ نویسنده‌ای بود که هرگز برای خوشایند موج‌های زودگذر بازار ننوشت.

آخرین نبرد با سایه بیماری

سال‌های پایانی عمر منصور انوری آزمون بزرگ تاب‌آوری بود. بیماری جسم او را می‌فرسود، اما اراده او را هرگز شکست نداد. او حتی بر بستر درد و رنج نیز دست از خلق و پژوهش نکشید و نشان داد سرباز ادبیات مقاومت، تا آخرین نفس در خاکریز ایستاده است. او مانند شخصیت‌های قصه‌هایش زیست؛ مومن، نجیب، بی‌هیاهو و خستگی‌ناپذیر. حالا این راوی بزرگ آرام گرفته است، اما کلمات او در قفسه کتاب‌ها زنده هستند. جاده انوری بسته نشد؛ او تا همیشه در امتداد واژه‌ها گام برمی‌دارد و نسل‌های آینده در امتداد این جاده، درس غیرت، حماسه و اصالت را مشق خواهند کرد.





علی نصیریان، بازیگر:

فرهنگ ما تنها ابنیه تاریخی نیست؛ هنرهای معاصر مانند موسیقی، تئاتر و سینما هم جزو شناسنامه‌های ما هستند



کتاب از کاغذ تا پلتفرم، چه مسیری را در پیش خواهد داشت؟

نشر ایران در پیچ تاریخی

صنعت کتاب جهان از «فروش نسخه» به «مدیریت اکوسیستم توجه» گذار کرده است. ایران در این گذار، نه با یک بحران، بلکه با تلاقی سه بحران همزمان روبه‌روست، فروپاشی اقتصاد کاغذ، انسداد حقوقی و فنی زیرساخت دیجیتال و شکاف میان تقاضای واقعی مخاطب و عرضه نهادی. در ادامه به بررسی این موضوع در کشور می‌پردازیم، اما نه با فهرستی از توصیه‌ها، بلکه تحلیل ساختاری این تلاقی و مسیرهای برون‌رفت برپایه شواهد.

صنعت نشر جهان در سال ۲۰۲۵ حدود ۹۷.۷ میلیارد دلار ارزش داشت و پیش بینی می‌شود در سال ۲۰۲۶ به ۱۰۰.۵ میلیارد دلار برسد، رشدی آرام با نرخ سالانه ۲.۸ درصد. اما این آرامش سطحی، پویایی درونی آن را پنهان می‌کند. بازار کتاب صوتی با ارزش ۷.۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ و نرخ رشد سالانه ۱۰.۵۸ درصد تا سال ۲۰۳۱ به ۱۴.۳۴ میلیارد دلار می‌رسد، بازاری که به‌طور کلی بیش از سه برابر سرعت رشد بازار کتاب دارد. این شکاف نرخ رشد، معنایی جز جابه‌جایی تدریجی مرکز ثقل اقتصاد نشر از «محتوای چاپی» به «محتوای صوتی قابل مصرف در حین حرکت» ندارد.

زیرساخت این جابه‌جایی، پلتفرم است. استوری‌تل (StoryTell) در سال ۲۰۲۵ با ۲.۶۷ میلیون مشترک پرداخت‌کننده، درآمد ۴.۰۲۳ میلیارد کرون سوئدی (حدود ۴۳۰ میلیون دلار) ثبت کرد و رشد درآمد پخش جریانی آن به ۱۰ درصد رسید. اسپاتیفای (Spotify)، که از سال ۲۰۲۵ کتاب صوتی را به اشتراک پرمیوم خود افزود، اکنون یک چهارم مشترکان خود را به شنوندگان محتوای بلند تبدیل کرده و سرویس «Audiobooks+» آن از یک میلیون مشترک و درآمد سالانه تکرارشونده ۱۰۰ میلیون دلار عبور کرده است. آمازون با کیندل (kindle) و آدیبل (Audible) در بیش از ۱۸۰ کشور محتوا توزیع می‌کند. امروز رقابت دیگر میان ناشران کشورها نیست، رقابت میان پلتفرم‌هایی است که داده رفتاری کاربر را در اختیار دارند و می‌توانند فرم محتوا، قیمت‌گذاری و حتی انتخاب ژانر را براساس آن شکل دهند.

در ادامه هوش مصنوعی نیز این چرخه را تشدید کرده است. تولید کتاب صوتی با صدای سنتز شده از صدای انسان، هزینه ضبط را تا ۸۰ درصد کاهش داده و آدیبل بیش از ۴۰ هزار عنوان با روایت هوش مصنوعی منتشر کرده است. استوری‌تل از سال ۲۰۲۵ صداهای راوی تولیدشده با هوش مصنوعی را عرضه کرده و ترجمه خودکار کتاب صوتی را نیز آغاز کرده است. این تحول، نه یک «امکانات جدید»، بلکه تغییر معادله هزینه‌فایده در تولید محتواست، عناوینی که پیشتر تولید صوتی‌شان توجیه اقتصادی نداشت، اکنون قابل تبدیل به محصول هستند. پیامد این تغییر برای بازارهایی مانند ایران – که با محدودیت منابع و هزینه بالای تولید مواجه‌اند – این است که دیر یا زود، معیار رقابت از «توان تولید» به «توان انتخاب و بازاریابی» منتقل می‌شود.

ایران: سه شکاف همزمان

شکاف اول: اقتصاد کاغذ در حال فروپاشی است

آمارهای بهار ۱۴۰۵ تصویری از یک چرخه معیوب ارائه می‌دهد. تعداد عناوین منتشرشده کتاب هفت درصد رشد کرده و به ۲۸،۲۰۷ عنوان رسیده، اما میانگین شمارگان به ۶۸۵ نسخه سقوط کرده است – ۲۱ درصد کاهش نسبت به سال قبل – و میانگین قیمت کتاب ۵۰ درصد رشد داشته است. به بیان دیگر، صنعت، «کتاب بیشتری» تولید می‌کند، اما هر کتاب با «شمارگان کمتری» به بازار می‌رسد و مخاطب باید «پول بیشتری» بپردازد. این ترکیب، نشانه رونق نیست، بلکه نشانه کوچک شدن تدریجی بازار مصرف است. در برخی عناوین، تیراژ به ۲۰۰ تا ۳۰۰ نسخه رسیده – رقمی که برای کشوری با حدود ۹۰ میلیون نفر، نه یک «تیراژ»، بلکه یک «سفارش محدود» است. برخی ناشران حتی به چاپ دیجیتال با تیراژ ۵۰ نسخه روی آورده‌اند.

ریشه این وضعیت، جهش هزینه‌های تولید است. قیمت یک بند کاغذ تحریر ۷۰ گرمی در قطع ۷۰×۱۰۰ که در آذر ۱۴۰۴ حدود ۲.۵ میلیون تومان بود، در خرداد ۱۴۰۵ به ۵.۶ میلیون و در مهر به حدود ۹ میلیون تومان رسید؛ نزدیک به چهار برابر در کمتر از یک سال. زینک با کمبود و گرانی مواجه است و مرکب و مقوا نیز در همین مدار افزایشی قرار دارند. ناشر میان دو گزینه دشوار گیر کرده است، افزایش قیمت و از دست دادن مخاطب، یا پذیرش حاشیه سود ناچیز و ریسک نقدینگی. یکی از ناشران این معادله را چنین توصیف می‌کند: «اگر امروز سه وانت کتاب بفروشیم، با پول آن تنها می‌توانیم یک وانت کتاب چاپ کنیم.»

شکاف دوم: زیرساخت دیجیتال در انسداد حقوقی و فنی

نشر دیجیتال در ایران نه به دلیل بی میلی مخاطب، بلکه به دلیل انسداد ساختاری عقب مانده است. تخمین زده می‌شود حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد خواندن ایرانیان در قالب دیجیتال انجام می‌شود، اما این بخش تنها حدود هفت درصد از کل درآمد فروش کتاب را تشکیل می‌دهد. سالانه حدود ۱۲ میلیون ایرانی کتاب الکترونیک می‌خوانند، اما تنها حدود ۲.۵ میلیون نفر – یعنی حدود ۲۰ درصد – کتاب‌های خود را از طریق پلتفرم‌های قانونی تهیه می‌کنند، اکثریت قاطع مخاطبان به کانال‌های غیررسمی مانند شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های تلگرامی وابسته‌اند. این یعنی تقاضا وجود دارد، اما اقتصاد عرضه قانونی شکل نگرفته است.

ریشه این انسداد، سه لایه است. نخست، خلأ حقوقی: ایران عضو کنوانسیون برن و معاهده کپی‌رایت سازمان جهانی مالکیت فکری نیست و در سازمان تجارت جهانی نیز عضویت ندارد، در نتیجه، آثار خارجی به‌طور خودکار در ایران حمایت نمی‌شوند و اجرای حقوق داخلی نیز ضعیف است. قانون حمایت از حقوق مؤلفان مصوب ۱۳۴۸ به‌صراحت درباره فروش فایل‌های الکترونیکی سخنی نگفته و انتشار دیجیتال در خلأ قانونی قرار دارد. دوم، انسداد فنی: تحریم‌های بین‌المللی دسترسی به بسیاری از فناوری‌ها و خدمات نشر دیجیتال را قطع کرده است. پلتفرم‌های جهانی مانند آمازون کیندل و گوگل بوکس (Books) در ایران فعالیت نمی‌کنند و سیستم‌های پیشرفته مدیریت حقوق دیجیتال (DRM) مانند گوگل وایدوین (Widevine) و اپل فیرپلی (Fairplay) در دسترس نیستند. سوم، فرهنگ مصرف رایگان: سال‌ها دسترسی آسان به پی‌دی‌اف‌های غیرقانونی و کتاب‌های اسکن‌شده، انتظار «محتوای بدون هزینه» را در خواننده ایرانی نهادینه کرده و رقابت پلتفرم‌های قانونی را دشوار ساخته است.

شکاف سوم: تقاضای صوتی رشد می‌کند؛ عرضه عقب می‌ماند

در این میان، یک نشانه امیدوارکننده اما متناقض وجود دارد. در گزارش سال ۱۴۰۴ پلتفرم فیدیبو، از هر ۱۰۰ نسخه کتاب فروخته شده، ۳۸ نسخه صوتی بوده است، ۴۷۱،۷۶۰ نسخه صوتی در برابر ۷۷۸،۹۱۰ نسخه متنی. این نسبت نشان می‌دهد شنیدن کتاب برای مشتریان بزرگ‌ترین پلتفرم کتاب دیجیتال ایران، رفتاری حاشیه‌ای نیست. اما در همان سال، تعداد عناوین صوتی تازه منتشرشده در فیدیبو با افت ۱۳.۷ درصدی به ۱،۸۴۵ عنوان رسید، در حالی که عناوین متنی تازه ۲۰.۳ درصد رشد کرد و به ۷،۹۵۶ عنوان رسید. تقاضا برای کتاب صوتی در حال رشد است، اما عرضه در حال عقب‌نشینی. دلیل این تناقض، اقتصاد تولید صوتی است، ضبط استودیویی، هماهنگی عوامل، ویرایش و کنترل کیفیت، زمان و هزینه‌ای را طلب می‌کند که ناشران کمی از عهده آن برمی‌آیند.

چرا راه‌حل‌های «تولیدی» کافی نیست

سیاست‌گذاری نشر در ایران معمولا بر محور «تولید بیشتر» یا «حمایت از چاپ» می‌چرخد. اما داده‌ها نشان می‌دهد مسئله در حلقه تولید نیست، بلکه در حلقه اتصال است. شمارگان متوسط ۶۸۵ نسخه‌ای نه به این دلیل است که ناشران «کم‌کار» شده‌اند، بلکه به این دلیل است که کانال‌های توزیع و کشف کتاب در برابر رقابت محتوای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی کارایی خود را از دست داده‌اند. افزایش عناوین نیز نه نشانه رونق، بلکه نشانه پراکندگی بیشتر در بازاری است که توان جذب آن محدود شده است.

دومین نکته تحلیلی این است که مسئله ایران صرفا «عقب‌ماندگی فناورانه» نیست، بلکه یک بخش مهمی از انسداد، ساختاری و حقوقی است. بدون اصلاح چارچوب حق مولف و ایجاد سازوکارهای اجرایی برای آن، هیچ پلتفرم قانونی نمی‌تواند با کانال‌های غیررسمی رقابت کند. سرمایه‌گذاری در فناوری بدون حل مسئله حقوقی، به بازتولید همان چرخه «تولید محتوا، توزیع غیررسمی، عدم بازگشت سرمایه» منجر می‌شود.

سومین نکته، پارادوکس صوتی است. رشد سهم فروش صوتی در فیدیبو نشان می‌دهد مخاطب ایرانی آماده پذیرش فرم‌های جدید است. اما کاهش عناوین صوتی تازه نشان می‌دهد مدل کسب‌وکار فعلی – ضبط استودیویی با گویندگان حرفه‌ای – برای مقیاس‌پذیری کافی نیست. هوش مصنوعی در اینجا نه یک «ابزار لوکس»، بلکه یک ابزار رفع گلوگاه است، کاهش هزینه تولید صوتی می‌تواند عناوینی را که پیشتر تولید صوتی‌شان توجیه نداشت، وارد بازار کند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که این مسیر عملی است، اما پرسش در ایران این است که آیا چارچوب حقوقی و مقرراتی برای استفاده از آن وجود دارد یا نه.

مسیرهای برون‌رفت مبتنی بر رفع انسداد؛ نه افزایش تولید

اول، اصلاح چارچوب حق مولف دیجیتال به‌عنوان پیش‌شرط، نه یک «پروژه جانبی». قانون ۱۳۴۸ نمی‌تواند مبنای اقتصاد نشر دیجیتال باشد. تدوین یک چارچوب مشخص برای حمایت از آثار دیجیتال، تعریف حق تکثیر و توزیع در محیط آنلاین و ایجاد سازوکار اجرایی سریع و کم‌هزینه، پیش‌شرط هر سرمایه‌گذاری پایدار در این حوزه است. بدون این لایه، حتی بهترین پلتفرم نیز در برابر کانال‌های غیررسمی آسیب‌پذیر می‌ماند. تجربه ویتنام نشان می‌دهد که پراکندگی و نبود استاندارد فراداده‌ای مشترک، حتی با وجود سرمایه‌گذاری قابل توجه، مانع شکل‌گیری بازار پایدار می‌شود، اما تجربه ایران یک لایه عمیق‌تر دارد: خلأ حقوقی، خود مانع اصلی است.

دوم، حرکت از «تولید انبوه عناوین» به «مدیریت اکوسیستم کشف.» داده‌های جهانی نشان می‌دهد که بوک‌تاک (BookTalk) و شبکه‌های اجتماعی به کانال اصلی کشف کتاب برای نسل جوان تبدیل شده‌اند. ایران در این فضا تقریبا غایب است. نمایشگاه مجازی کتاب، اگرچه گردش مالی مقطعی ایجاد می‌کند، الگوی مصرف را به «خرید فصلی و مناسبتی» سوق داده و شبکه توزیع طبیعی را تضعیف کرده است. بازتعریف نمایشگاه از یک «رویداد فروش» به یک پلتفرم دائمی کشف و معرفی با محتوای ویدئویی و تعاملی، می‌تواند این شکاف را پر کند – اما مشروط به آنکه ناشران و نهادهای صنفی، نقش «تولیدکننده محتوا» را بپذیرند، نه صرفا «عرضه‌کننده کتاب.»

سوم، استفاده هدفمند از هوش مصنوعی برای رفع گلوگاه صوتی. با توجه به کاهش عناوین صوتی تازه و رشد تقاضا، اولویت باید تولید صوتی با صدای سنتزی برای عناوینی باشد که تیراژ صوتی با صدای انسانی را توجیه نمی‌کنند؛ به‌ویژه در ژانرهای غیرداستانی، آموزشی و کودک. تجربه آدیبل و استوری‌تل نشان می‌دهد که این مسیر از نظر فنی بالغ شده است. اما همزمان، سیاست‌گذاری روشن درباره حقوق گویندگان، ناشران و مؤلفان در آثار تولیدشده با هوش مصنوعی ضروری است، در غیر این صورت، صرفه‌جویی هزینه به منازعه حقوقی و بی‌ثباتی بازار تبدیل می‌شود.

چهارم، مسیر عملی شده در بازار جهانی: تجمیع‌کننده‌ها به‌جای رویای حضور مستقیم. ناشران ایرانی نمی‌توانند به‌سادگی در آمازون کیندل یا گوگل بوکس حضور مستقیم داشته باشند. اما پلتفرم‌های تجمیع‌کننده مانند Draft2Digital و PublishDrive امکان توزیع به ده‌ها فروشگاه و کتابخانه را از یک داشبورد فراهم می‌کنند. برای آمازون، انتشار مستقیم از طریق KDP در بازه قیمتی ۲.۹۹ تا ۹.۹۹ دلار سهم ۷۰ درصدی دارد، در حالی که تجمیع‌کننده‌ها دسترسی محدودی به آمازون دارند. راهبرد بهینه، ترکیبی است: انتشار مستقیم در پلتفرم‌هایی که امکان پرداخت بین‌المللی فراهم است و استفاده از تجمیع‌کننده‌ها برای سایر بازارها. این مسیر، نه یک «راه‌حل جادویی»، بلکه یک حداقل دسترسی است که بدون آن، نشر ایران در بازار جهانی عملاً نامرئی می‌ماند.

سخن آخر

نشر ایران در یک پیچ تاریخی قرار دارد، اما نه پیچی که با «تولید بیشتر» یا «حمایت مالی مقطعی» طی شود. داده‌ها نشان می‌دهد که مسئله در سه سطح همزمان است: اقتصاد کاغذ در حال فروپاشی است، زیرساخت دیجیتال در انسداد حقوقی و فنی گرفتار است و تقاضای مخاطب – به‌ویژه در فرم صوتی – از عرضه نهادی جلو افتاده است. راه برون‌رفت، رفع انسداد است: اصلاح چارچوب حق مؤلف به‌عنوان پیش‌شرط، بازتعریف نهادهای صنفی از «تولیدکننده» به «مدیر اکوسیستم کشف» و استفاده هدفمند از فناوری برای رفع گلوگاه‌هایی که هزینه تولید را غیراقتصادی کرده‌اند. بدون این سه، آمار عناوین ممکن است رشد کند، اما مخاطب – که تنها معیار واقعی موفقیت نشر است – بازهم کوچک‌تر خواهد شد.

kindle direct publishing
IngramSpark
kobo WRITING LIFE
lulu
Apple Books for Authors
DRAFT2DIGITAL
BARNES&NOBLE PRESS

فیلیپ واست، جایزه مدیسی ۲۰۲۶ را دریافت کرد

در آسمان‌های بزرگ، برنده شد

جایزه مدیسی یکی از جوایز معتبر فصل ادبی فرانسه، برندگان خود را در چهار بخش معرفی کرد.

به گزارش «آگاه» به نقل از خبرگزاری فرانسه، جایزه مدیسی یکی از جوایز معتبر فصل ادبی فرانسه، کتاب «در آسمان های بزرگ» نوشته فیلیپ واست را به عنوان برنده جایزه داستان برگزید. وی با پنج رأی در برابر چهار رأی لوسی ریکو، نویسنده کتاب «چه کسی روی خط جنیفر آواز می‌خواند؟» این موفقیت را به دست آورد.

«در آسمان های بزرگ» از انتشارات فلاماریون چهاردهمین کتاب فیلیپ واست است و تابستان امسال منتشر شده است. این رمان خواننده را در امتداد مسیرهای خطوط برق ولتاژبالا در فرانسه می برد و به نویسنده فرصت می دهد تا مناظر کمتر شناخته شده را کشف کند و با برخوردهای غیرمعمول روبه رو شود. سفر او که فراتر از مرزهای ملی است، خطرات نامرئی برق و تاثیر آن بر زمین و ذهن را آشکار می‌کند. فیلیپ واست ۵۴ ساله، دو سال را صرف سفر در فرانسه کرد و صدها کیلومتر خطوط برق ولتاژبالا را از منطقه پاریس دنبال کرد. نویسنده در کتاب خود می‌گوید: «ما به ندرت فرصت مشاهده این تیرهای برق بلند را از نزدیک داریم: اغلب، آنها دور از دسترس باقی می‌مانند و در وسط مزارعی کاشته می‌شوند که جاده‌هایی از آنها عبور می‌کنند و ما آنها را بدون دیدنشان می بینیم.» فیلیپ واست، نویسنده چندین کتاب از اوایل دهه ۲۰۰۰ و روزنامه‌نگار است.

در بخش رمان خارجی هیات داوران به اوا بالتازار برای رمان «زوال و شیفتگی» از انتشارات وردیه، به ترجمه آنی بتس از کاتالان جایزه دادند. این رمان درباره زنی است که شغلش را در بارسلونا از دست می‌دهد و مجبور به کار به عنوان نظافتچی می شود و در خانه‌ای مشترک بدون سیستم گرمایشی زندگی می‌کند.

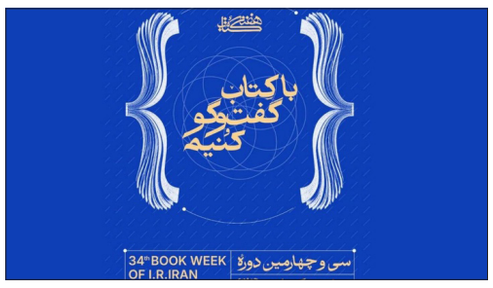
ژان-باپتیست دل آمو جایزه کتاب غیرداستانی را برای «یک سوسوی نور» از انتشارات استوک، دریافت کرد. در سال ۲۰۲۳، دل آمو در سفری به مادرید، در ادامه راه گویا، از موزه پرادو و موزه هرمیتاژ سن آنتونیو دلا فلوریدا بازدید کرد و شبی از درون نگری را تجربه کرد. این نویسنده با تأمل در آثار غم انگیز نقاش، تأمل عمیقی در مورد مصیبت بیماری و چگونگی تاثیر عمیق آن بر زندگی و آثار خلاقانه‌اش ارائه می‌دهد.

در نهایت، جایزه ویژه هیات داوران به ریچارد زنیث، نویسنده پرتغالی-آمریکایی برای کتاب «پسوآ، زندگی رویایی» (به ترجمه نیکولاس ریچارد از نسخه آمریکایی) اهدا شد. این کتاب زندگینامه‌ای ۱۲۰۰ صفحه‌ای درباره شاعر بزرگ فرناندو پسوآ، از پیشگامان مدرنیسم در پرتغال است. شان رز منتقد از متن ریچارد زنیث به عنوان «یک اودیسه درونی درهم تنیده با تاریخ پرتغال که به شدت از زوال خود آگاه است، دلتنگ گذشته‌ای باشکوه، سرشار از سباستین گرایی، آن امید آخرالزمانی برای بازگشت شاه سباستین که هرگز از جنگ برنگشت» را ستایش می‌کند.

سال گذشته، امانوئل کارر، نامزد نهایی ناموفق جایزه گنکور، برای رمان «کلخوز» منتشر شده توسط انتشارات POL این جایزه دریافت کرد. این رمان تا به امروز بیش از ۲۵۵۰۰۰ نسخه فروخته است. در بخش رمان خارجی هم نینا آلن برای رمان «همسایه‌های خوب» برنده شد و نویسنده مجارستانی، پیتر ناداس، جایزه ویژه هیات داوران را دریافت کرد و جایزه کتاب غیرداستانی به فابریس گابریل برای کتاب «در سینمای مرکزی» برنده شد. هیات داوران جایزه مدیسی متشکل از ماریان آلفانت، میشل برادو، ماری داریوسک، دومینیک فرناندز، آن گارتا، پاتریک گرینویل، آندری مکین، پاسکال روزو آلن وینشتاین برندگان را انتخاب کردند.

پوستر سی و چهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران منتشر شد

«با کتاب گفت‌وگو کنیم»



پوستر رسمی هفته کتاب که توسط محمد اردشیری، هنرمند گرافیست طراحی شده و مدیریت هنری آن را داود ارسونی بر عهده داشته، در آستانه برگزاری این رویداد فرهنگی منتشر شد.

به گزارش «آگاه» در پوستر شعار این دوره از هفته کتاب یعنی «با کتاب گفت و گو کنیم» به زبان بصری بازآفرینی شده است. ترکیب بندی تصویر بر رابطه میان کتاب، زبان و ارتباط انسانی استوار است. هر یک از عناصر گرافیکی در شکل‌گیری این معنا سهمی دارند و در کنار یکدیگر، خوانشی از جایگاه کتاب در تجربه گفت‌وگو ارائه می‌کنند. پرسش محوری این تصویر را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: چگونه می‌توان با متنی که در سکوت خوانده می‌شود، وارد گفت‌وگو شد؟

محور اصلی ترکیب بندی، بازآفرینی خلاقانه نشانه گرافیکی آکولاد یا دو علامت { } است. آکولاد در نظام نوشتاری برای مشخص کردن محدوده و پیوند دادن مجموعه‌ای از عناصر به کار می‌رود. واژه فرانسوی Accolade نیز به مفهوم در آغوش گرفتن و حلقه کردن دست بر گردن اشاره دارد. در این پوستر، دو فرم کتاب‌گون در طرفین عبارت مرکزی، کارکردی شبیه آکولاد پیدا کرده‌اند. این دو فرم، فضای میان خود را دربر می‌گیرند و عبارت مرکزی را در کانون توجه قرار می‌دهند. ساختار لایه لایه آنها نیز صفحات متعدد کتاب را تداعی می‌کند و به مفهوم انباشت تجربه‌ها و اندیشه‌ها اشاره دارد.

«گفت‌وگو» فرآیندی برای فهم متقابل و گسترش شناخت است. انسان در مواجهه با دیدگاه‌های دیگران، فرصت بازنگری در برداشت‌های خود را پیدا می‌کند. هر گفت‌وگو می‌تواند افق تازه‌ای از فهم را پیش روی طرفین قرار دهد. کتاب یکی از عرصه‌های پایدار این تجربه است. نوشته‌های به‌جامانده از دوره‌های مختلف تاریخی، امکان ارتباط میان نسل‌ها را فراهم می‌کنند و تجربه انسان‌های گوناگون را در دسترس خوانندگان قرار می‌دهند. حتی هر بار خواندن یک متن نیز می‌تواند زمینه شکل‌گیری تفسیری تازه را فراهم آورد.

خطوط منحنی و دایره‌های متداخل در بخش مرکزی پوستر، این مفهوم را در سطح دیگری گسترش می‌دهند. این خطوط شبکه‌ای از ارتباطات و تلاقی‌ها را تداعی می‌کنند. دایره‌های متداخل را می‌توان نشانه‌ای از هم‌پوشانی افق‌های فکری و شکل‌گیری فضای مشترک میان تجربه‌های انسانی دانست. در چنین فضایی، معنا از ارتباط میان صداها و دیدگاه‌های گوناگون شکل می‌گیرد. کتاب نیز امکان حضور این صداها را در یک فضای مشترک فراهم می‌کند. روایت‌ها، اندیشه‌ها و تجربه‌های متفاوت در جهان کتاب کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و خواننده را با طیفی گسترده از دریافت‌های انسانی آشنا می‌کند.

سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» از بیست‌وسوم تا سی‌ام آبان ۱۴۰۵، در سراسر کشور برگزار می‌شود.

«عملیات احیا»؛ روایت یک نجات صنعتی در ایستگاه بیستم

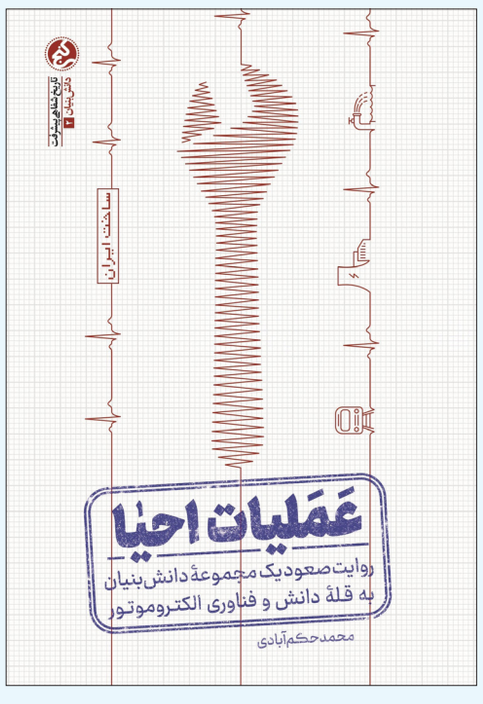
۲۰ بار بازخوانی یک معجزه صنعتی

کتاب «عملیات احیا» نوشته محمد حکم‌آبادی، با روایت فراز و فرودهای شرکت ماشین‌های الکتریکی جمکو و چگونگی بازگشت این مجموعه صنعتی به چرخه تولید، از سوی انتشارات راه‌یار به چاپ بیستم رسید.

کتاب «عملیات احیا» در ۲۰ فصل سراغ تجربه شرکت ماشین های الکتریکی جمکو رفته است؛ مجموعه‌ای که در سال ۱۳۶۹ در شهرستان جوین با هدف کاهش وابستگی کشور در حوزه تولید ماشین های الکتریکی تاسیس شد، اما در ادامه فعالیت خود به دلیل مشکلات و بی توجهی های مدیریتی تا آستانه تعطیلی پیش رفت. محمد حکم‌آبادی در این کتاب، با تحقیق و تدوین روایت‌های مرتبط با این مجموعه صنعتی، روند شکل‌گیری، مواجهه با بحران و تلاش برای بازگشت آن به چرخه تولید را روایت کرده است. جمکو که در مقطعی با خطر توقف فعالیت روبه‌رو بود، امروز در زمینه طراحی و تولید الکتروموتورها و ژنراتورهای بزرگ صنعتی فعالیت می‌کند و توانسته است در تولید برخی محصولات، به جمع معدود تولیدکنندگان جهانی این حوزه راه پیدا کند. در این اثر، نقش کارگران، مهندسان و متخصصان ایرانی در عبور از مشکلات و حفظ ظرفیت تولید کارخانه نیز مورد توجه قرار گرفته است. روایت تلاش برای دستیابی به دانش فنی، مقابله با محدودیت های ناشی از تحریم ها و تکیه بر توان داخلی، بخش دیگری از محتوای کتاب را تشکیل می‌دهد. «عملیات احیا» در کنار بازخوانی تجربه یک واحد صنعتی، به چگونگی احیای ظرفیت های تولیدی کشور و نقش نیروی انسانی و مدیریت در عبور از بحران می پردازد؛ تجربه‌ای که در قالب مستندنگاری صنعتی ثبت شده است.

تقدیر در جوایز ملی کتاب

این کتاب پیش از این در چند رویداد ادبی و فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفته است. «عملیات احیا» در شانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در بخش مستندنگاری شایسته تقدیر شناخته شد و در سومین دوره جایزه ملی «روایت پیشرفت» نیز رتبه برگزیده بخش حکمرانی و مدیریت را به دست آورد. همچنین این اثر در چهل‌ویکمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بخش مستندنگاری شایسته تقدیر شد و در چهارمین جایزه ملی کتاب سال جوانان، جایزه ویژه «ساخت ایران» را دریافت کرد. این کتاب در سی امین جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی نیز به عنوان اثر برگزیده معرفی شد. با استقبال مخاطبان از کتاب «عملیات احیا» و توجه به روایت مستند آن از تجربه احیای یک مجموعه صنعتی ایرانی، بیستمین چاپ این کتاب در دسترس مخاطبان قرار گرفت.





غلامرضا نوری، وزیر جهاد کشاورزی:
رایزنی‌ها برای تعیین نرخ خرید گندم جدید ادامه دارد و تا هفته آینده نهایی می‌شود

روایت زندگی یکی دیگر از مردم ماه ایران؛ این بار مردی که گره از کار مردم باز می‌کرد

جهاد تا آخرین نفس



گاهی رفتن برخی آدم‌ها، باعث می‌شود آنها را بیشتر بشناسیم. سیدحمزه قاسمی از همین آدم‌ها بود؛ مردی که سال‌ها به مناطق محروم کشور سفر کرد، تلاش کرد و به سفر ابدی رفت. بسیاری از تلاش‌های او را حتی نزدیک‌ترین دوستانش هم نمی‌دانستند تازه وقتی فوت کرد، فهمیدند چه کارهای خیرخواهانه دیگری انجام داده بود که آنها نمی‌دانستند.

به گزارش «آگاه» سیدحمزه قاسمی سحرگاه دهم آبان درگذشت. پیکرش در میان جمعیت زیادی از مردم و همراهانش تشییع و در آرامستان بهشت متقین بیرجند به خاک سپرده شد. مراسم تشییع او، فقط بدرقه یک فعال جهادی و عضو نهضت اجتماعی جوانان نبود بلکه تشییع مردی بود از «مردم ماه ایران» که تمام زندگی‌شان را وقف گره‌گشایی از کار دیگران می‌کنند. اشکان علیمرادی، دوست و همکار قدیمی سیدحمزه قاسمی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» از مردی می‌گوید که دغدغه‌اش تنها کمک به نیازمندان نبود، بلکه می‌خواست شرایطی فراهم کند تا خانواده‌ها بتوانند روی پای خودشان بایستند، توانمند شده و خودشان دست‌گیر دیگران شوند.

سیدحمزه متولد شهر بیرجند در استان خراسان جنوبی بود، استانی که محرومیت برخی مناطق آن، سال‌هاست یکی از دغدغه‌های گروه‌های جهادی و مردمی به شمار می‌رود. او فعالیت‌هایش را از همین منطقه آغاز کرد و به تدریج دامنه کارهایش را به استان‌های محرومی مانند سیستان و بلوچستان و هرمزگان و دیگر استان‌های کشور گسترش داد. علیمرادی می‌گوید: سیدحمزه بیشتر در مناطق محروم فعالیت می‌کرد. چون خودش اهل خراسان جنوبی بود، نسبت به این استان و مناطق محروم اطراف آن حساسیت و دغدغه بیشتری داشت. به همه مناطق محروم سفر می‌کرد. معتقد بود به جای اینکه فقط بسته معیشتی به خانواده‌ها داده شود، برایشان کاری کنیم که بتوانند درآمد داشته باشند و زندگی‌شان را خودشان اداره کنند.

این نگاه در بسیاری از فعالیت‌های او دیده می‌شد. قاسمی تحصیلاتش را در رشته الکترونیک تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داده بود و در حوزه خدمات کامپیوتری و الکترونیکی فعالیت می‌کرد. چند اختراع نیز به نام خودش ثبت کرد. با این حال، تخصص و توانایی‌هایش را تنها به کار شخصی محدود نمی‌کرد و از هر ظرفیتی برای حل مشکلات مردم استفاده می‌کرد. مثل تلاش او برای حمایت از زنان سوزن‌دوز سیستان و بلوچستان. مثلا در مناطقی که هنر سوزن‌دوزی بخشی از هویت و میراث فرهنگی زنان بلوچ است، نبود بازار فروش باعث می‌شود این هنر به تدریج از رونق بیفتد و زنان هنرمند نتوانند از مهارت خود درآمدی به دست بیاورند سیدحمزه به جای آنکه صرفا از زنان بخواهد به تولید ادامه دهند، به دنبال بازار فروش محصولاتشان می‌رفت. تلاش می‌کرد خریدار پیدا کند، محصولات را به بازارهای دیگر معرفی کند و برای فروش تولیدات زنان منطقه واسطه شود. اگر مشکل یک خانواده تهیه چرخ خیاطی بود، برای تامین آن تلاش می‌کرد و اگر محصولی تولید شده اما مشتری نداشت، خودش برای فروش آن دنبال راه می‌گشت.

کافه‌ای برای دختر روستایی

در یکی از روستاهای خراسان جنوبی، دختری جوان آرزو داشت کافه‌ای کوچک راه بیندازد؛ جایی که دختران روستا بتوانند دور هم جمع شوند، گفت‌وگو کنند و ساعاتی را در فضایی متفاوت بگذرانند. شاید برای بسیاری، این خواسته یک آرزوی ساده و حتی کم‌اهمیت به نظر می‌رسید، اما برای سیدحمزه همین آرزوی کوچک هم ارزش پیگیری داشت. علیمرادی از این خاطره چنین یاد می‌کند: سید موضوع را با چند نفر مطرح کرد، دستگاه قهوه‌ساز و وسایل مورد نیاز را تهیه کرد و برایش به روستا برد، حتی برای کافه افتتاحیه گرفت.

برای سیدحمزه، توانمندسازی از همین قدم‌های کوچک شروع می‌شد از پیدا کردن وسیله‌ای که یک نفر برای آغاز کارش نیاز داشت یا وصل کردن او به کسی که می‌توانست در راه‌اندازی کسب‌وکار کمکش کند. او به دلیل سفرهای متعدد و ارتباطاتی که در استان‌های مختلف به دست آورده بود، تلاش می‌کرد ظرفیت‌ها را به یکدیگر متصل کند. اگر در استانی محصولی تولید می‌شد و در استان دیگری بازار فروش مناسبی وجود داشت، زمینه ارتباط میان تولیدکننده و خریدار را فراهم می‌کرد. در واقع، بخش مهمی از فعالیتش ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات مردمی بود تا امکانات و توانایی‌های پراکنده در مناطق مختلف به حل مشکلات مردم کمک کند.

یک اتاق برای زندگی و کار

سیدحمزه با گسترش فعالیت‌هایش، به تهران رفت و آمد می‌کرد و در نهضت اجتماعی جوانان مشغول به کار شد. علیمرادی حدود چهار سال با او همکار بود و نزدیک به یک سال و نیم تا دو سال نیز با هم در یک اتاق زندگی و کار کردند. اتاقی که محل استراحت، خورد و خوراک و انجام کارهای روزانه‌شان بود. علیمرادی می‌گوید: سید ازدواج کرده بود و پنج فرزند داشت، اما برای انجام کارهای جهادی بارها با هزینه شخصی از بیرجند بلیت می‌گرفت و به تهران می‌آمد. دو هفته، سه هفته یا حتی یک ماه می‌ماند و کارها را پیگیری می‌کرد و دوباره به خانه برمی‌گشت. بعد از مدتی باز به تهران می‌آمد. زندگی‌اش با کار جهادی گره خورده بود. او قبول نمی‌کرد خانه سازمانی در تهران داشته باشد می‌گفت آن را به کسی که خانه ندارد بدهید. ما بعد از فوتش متوجه شدیم او مستاجر بوده و در بیرجند حتی یک زمین به نام خودش نداشت.

علیمرادی ادامه می‌دهد: مردم شهرستان وقتی می‌بینند کسی برای فعالیت به تهران می‌آید، گاهی تصور می‌کنند مسئولیتی گرفته، خانه و امکانات دارد و زندگی خوبی برای خودش ساخته است. سید همیشه به شوخی می‌گفت همه فکر می‌کنند ما در هتل پنج‌ستاره اقامت داریم. علیمرادی می‌گوید: اگر برای برگزاری یک دوره یا انجام کاری پول کم می‌آوردیم، سید کارت بانکی‌اش را می‌داد و می‌گفت کار را انجام دهید. اجازه نمی‌داد کار متوقف شود.

پدر پنج فرزند، همراه مردم

سیدحمزه پنج فرزند داشت، چهار پسر و یک دختر دوساله. با وجود مسئولیت‌های خانوادگی، بخش زیادی از وقتش را صرف فعالیت‌های مردمی می‌کرد. همسرش نیز در فعالیت‌های فرهنگی و دانشجویی حضور داشت. با اینکه پنج فرزند داشت، هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد کار مردم به خاطر گرفتاری‌های شخصی‌اش متوقف شود. حتی به پسرهایش هم یاد داده بود که مستقل باشند و کارهای خودشان را انجام دهند. پسر بزرگش که ۱۶ سال دارد، در پایگاه بسیج و مسجد فعالیت می‌کند. این روحیه حتی در دوران بیماری نیز از او جدا نشد. قاسمی با وجود آنکه شیمی‌درمانی می‌شد، در برنامه‌ها و تجمعات حضور پیدا می‌کرد گاهی فقط برای ۱۰ دقیقه، اما نمی‌خواست ارتباطش با فعالیت‌های جمعی قطع شود.

نهضتی برای به میدان آوردن مردم

او در نهضت اجتماعی جوانان فعالیت می‌کرد مجموعه‌ای که با هدف ایجاد حرکت عمومی و فعال کردن ظرفیت‌های مردمی و حلقه‌های میانی شکل گرفته است. ایده این جریان، صرفا انجام کار خیر توسط یک گروه یا مجموعه مشخص نیست، بلکه تلاش می‌کند خود مردم را به میدان بیاورد تا برای حل مسائل محله و منطقه‌شان نقش‌آفرینی کنند. علیمرادی در توضیح این رویکرد می‌گوید: قرار نبود ما فقط خودمان کار کنیم و بگوییم گروه جهادی ما، هیات ما یا مسجد ما کار انجام می‌دهد. هدف این بود که مردم را درگیر کنیم به آنها بگوییم شما هم می‌توانید گروه جهادی خودتان را داشته باشید، کسب‌وکار راه بیندازید و برای حل مشکلات محله‌تان اقدام کنید. سیدحمزه هم همین کار را می‌کرد.

بیماری‌ای که او را از میدان دور نکرد

حدود یک سال پیش از درگذشتش، نشانه‌های بیماری در او آشکار شد. ابتدا اشتهایش کم شده بود و همکارانش متوجه تغییر وضعیت جسمی او شده بودند. بررسی‌های پزشکی از ابتلای او به بیماری خودایمنی کبد حکایت داشت و روند بیماری در نهایت به سرطان کبد رسید. سیدحمزه با نگرانی بابت کارهای نیمه تمام، درگیر درمان بود. می‌گفت آخرین دوز شیمی‌درمانی را دارم و کارهای زیادی باقی مانده است. نگران کارهای روی زمین بود و اینکه مقدم، مسئول نهضت، دست تنهاست. ولی با وجود درمان‌های مختلف، وضعیت جسمی او وخیم شد. پزشکان از بهبود وضعیتش قطع امید کردند. در روزهای پایانی، بیمارستان بیرجند به پلاکت خون نیاز داشت. با انتشار درخواست اهدای پلاکت در گروهی که برای نذر سلامتی‌اش ایجاد شده بود؛ حدود ۸۰ نفر مقابل سازمان انتقال خون بیرجند تجمع کردند تا برای کمک به او پلاکت خون اهدا کنند. اما بیماری فرصت بیشتری به او نداد. سیدحمزه قاسمی سحرگاه دهم آبان درگذشت.

مردی که بعد از رفتنش شناخته شد

شاید یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تاثیر فعالیت‌های سیدحمزه، واکنش‌هایی بود که پس از درگذشتش از سوی افراد و مجموعه‌های مختلف منتشر شد. پیام‌های تسلیت و حضور گروه‌های مردمی و جهادی در مراسم تشییع نشان داد ارتباطات و فعالیت‌های او بسیار گسترده‌تر از آن چیزی بوده که دوستانش تصور می‌کردند. در مراسم یادبود او، سردار زهرایی، مسئول بسیج سازندگی به یادش سخنرانی کرد و از خواب عجیب یکی از مسئولان گروه‌های جهادی کرمان گفت. اینکه حاج قاسم سلیمانی در خواب از او خواسته بود به بیرجند بروند و ببینند چه عزیزی را تشییع می‌کنند و در مراسم تشییع او حضور پیدا کنند.

از او مستندی به یادگار مانده که در آن درباره ترس از شب اول قبر صحبت می‌کند ترسی که بیش از آنکه از جنس نگرانی‌های شخصی باشد، به دغدغه انجام ندادن کارهای باقی مانده و مسئولیت‌هایی مربوط می‌شد که بر دوش خود احساس می‌کرد. سیدحمزه در این مستند می‌گوید: از شب اول قبر می‌ترسم. اینکه بگویند چرا کاری را ادامه ندادی یا یک نفر از دستت ناراحت است یا می‌توانستی برایش کاری انجام بدهی و ندادی یا چرا موضوعی را پیگیری نکردی. کل کشور رو گشتم و سفر کردم خیلی آدم‌ها هستند که برای این مردم تلاش می‌کنند تا دردی از مردم دوا کنند امیدوارم همه مردم ایران اینطوری بشوند.

چله خدمت به نام سیدحمزه

پس از درگذشت سیدحمزه، جمعی از فعالان جهادی و گروه‌های مردمی پویشی با عنوان «چله خدمت» راه‌اندازی کرده‌اند. قرار است در این پویش، طی ۴۰ روز و به نیت سیدحمزه قاسمی، هر گروه یا فرد یک اقدام خیرخواهانه و خدمت‌رسانی انجام دهد از تهیه بسته‌های معیشتی و کمک به نیازمندان گرفته تا تهیه جهیزیه و حمایت از خانواده‌های کم‌برخوردار. شاید این پویش، ادامه همان مسیری باشد که او سال‌ها برای آن تلاش کرد مسیری که در آن قرار نبود یک نفر یا یک گروه به تنهایی بار مشکلات را به دوش بکشد، بلکه قرار بود آدم‌های بیشتری برای حل مسائل اطرافشان وارد میدان شوند.



سیدحمزه قاسمی ۴۴ سال در این جهان، زندگی کرد، روایت زندگی او داستان کسی است که می‌خواست خانواده‌ای به درآمد پایدار برسد و هیچ منطقه‌ای محروم نباشد. او شاید فرصت نکرد همه کارهایی که در ذهن داشت را به پایان برساند، اما حالا قرار است دیگران بخشی از آن مسیر را ادامه دهند. این بار همان افرادی که او در زمانی به آنها کمک کرده بود، ادامه‌دهنده راهش می‌شوند.

روزهای «تیره و تار» با تارتار

سومین باخت پرسپولیس و شعار هواداران

عماد خورشیدطلب: قبل از آغاز فصل جدید لیگ برتر و بعد از انتخاب مهدی تارتار به عنوان سرمربی پرسپولیس، نوشتیم که پرسپولیس بزرگ است و به سرمربی بزرگ نیاز دارد؛ همان موقع برخی از دوستان ما را به طرفداری از مربیان خارجی متهم کردند و خواستار حمایت از مربیان ایرانی شدند. ۱۲ هفته از لیگ برتر فوتبال گذشت تا دوستان به حرف ما برسند. پرسپولیس که تغییر و تحولات زیادی (چه در کادر مربیگری و چه در اسکواد بازیکنان) را متحمل شده است در این ۱۲ هفته بازی‌های پرنوسانی را به نمایش گذاشته است. هواداران پرسپولیس (مثل هواداران استقلال) کم‌تحمل هستند و همیشه از تیم‌شان علاوه بر کسب نتیجه، بازی زیبا هم می‌خواهند. حال اگر تیم‌شان زیبا بازی نکند و نتیجه هم نگیرد که دیگر هیچ؛ سکوها متشنج می‌شود و شعارهای گوناگون به گوش کادرفنی و بازیکنان می‌رسد.

پرسپولیس روز جمعه مقابل فجر سپاسی بازی سردرگمی ارائه کرد و نتیجه را به تیم شیرازی (۲ بر یک) واگذار کرد تا مطابق انتظار سکوها علیه بازیکنان و کادرفنی شعار سر بدهند. با این نتیجه پرسپولیس صدرراهم به سپاهان واگذار کرد. امسال به اذعان کارشناسان بهترین موقعیت برای قهرمانی پرسپولیسی‌ها فراهم شده است تا با حضور دو رقیب دیگر (تراکتور و استقلال) در لیگ آسیا و خستگی ناشی از این حضور بتوانند قهرمانی را از آن خود کنند، اما با این روند سینوسی که پرسپولیس در پیش گرفته است بعید است به قهرمانی برسند. تارتار از جوانگرایی حرف می‌زند و مصدومیت یکی، دو بازیکن کلیدی تیمش را دلیل نتایج نه چندان خوب تیمش می‌داند اما کیست که نداند پرسپولیس خوب بازی نمی‌کند؛ تارتار باید بداند اگر مقابل تیم‌های ضعیف مثل مس شهربابک (تنها تیم بدون برد و انتهای جدولی) سه گل بزند کار مهمی انجام نداده است و در بازی‌های بزرگ است که عیار بازیکنان و کادرفنی هر تیم مشخص می‌شود. قصد نداریم تیم فجرسپاسی را ضعیف جلوه بدهیم اما هواداران پرسپولیس در اینگونه بازی‌ها از پرسپولیس فقط و فقط برد می‌خواهند و کسب هر نتیجه‌ای غیر از برد، آنها را عصبانی می‌کند، اتفاقی که روز جمعه رخ داد و تارتار روی دیگر سرمربیگری در تیم پرسپولیس را به چشم دید.

پرسپولیس بعد از گذشت ۱۲ هفته از لیگ برتر سه باخت کسب کرده است و همین موضوع هواداران این تیم را به تکاپو انداخته است تا از مدیریت تیم بخواهند به فکر تغییر سرمربی باشند. پرسپولیس فصل قبل هم با وحید هاشمیان همین مشکل را داشت و هاشمیان بعد از چند هفته و ارائه چند بازی ضعیف و نسبتا خوب هواداران را علیه خود دید و از تیم کنار گذاشته شد. حالا باید دید آیا مدیریت تیم همین کار را با مهدی تارتار هم انجام می‌دهد یا نه. اما هرچه هست تارتار باید بداند پرسپولیس مثل گل‌گهر یا تیم‌های دیگری که در آنها سرمربی بوده است نیست و هواداران زیادی دارد که روی نتایج تیم حساسیت زیادی دارند و از بازیکنان و کادر فنی انتظار بازی‌های زیبا و کسب نتایج خوب دارند. هواداران تیم‌های بزرگ تحمل کمی دارند و با چند باخت و تساوی، شعار حیاکن، رهاکن، سرمی‌دهند. مهدی تارتار اگر می‌خواهد پایان لیگ را در پرسپولیس ببیند باید کادر مربیگری خود را قوی‌تر کند، چراکه در حال حاضر کادر چندان قوی‌ای در اختیار ندارد و کمک‌های او کمک چندانی به این سرمربی نمی‌کنند.

با شناختی که از هواداران پرسپولیس داریم بعید می‌دانیم فرصت زیادی به تارتار بدهند و اگر همین روند ادامه داشته باشد و پرسپولیس یک بازی خوب باشد و یک بازی بد، تارتار نمی‌تواند به کار تا پایان لیگ در این تیم خوشبین باشد؛ هر چند در این موقع از فصل سرمربی خوب بیکار پیدا نمی‌شود که مدیریت این تیم بخواهد، هدایت پرسپولیس را به او واگذار کند و بهترین اتفاق جذب حداقل یک کمک‌مربی خوب و تقویت اسکواد بازیکنان در نیم فصل است تا روند سینوسی تیم تغییر کند و نتایج تیم، هواداران را مجاب کند که تا پایان فصل به همین کادر فرصت بدهند.



صادرات می‌کنند اما اجازه واردات ندارند!



یکی از موضوعات مهم در تجارت خارجی کشور، چگونگی استفاده صادرکنندگان از ارز حاصل از صادرات برای واردات کالا و تامین نیازهای تولیدی است؛ موضوعی که درصورت تسهیل آن می‌تواند به تداوم فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، تامین مواد اولیه و کاهش وابستگی به ارز دولتی کمک کند. با این حال، برخی فعالان اقتصادی معتقدند محدودیت‌های موجود در فرآیند ثبت سفارش و تخصیص سهمیه واردات، عملا استفاده از ارز حاصل از صادرات را نیز با دشواری مواجه کرده است.

بررسی مشکلات مطرح‌شده از سوی یکی از فعالان حوزه صادرات و واردات نشان می‌دهد که حتی انجام صادرات و تامین ارز مورد نیاز از محل منابع شخصی نیز لزوما به معنای امکان واردات نیست؛ چراکه محدودیت‌های مربوط به کارت بازرگانی، سهمیه وارداتی و فرآیندهای اداری می‌تواند مسیر تجارت را با وقفه‌های طولانی مواجه کند.

این فعال اقتصادی که در حوزه صادرات خشکبار فعالیت دارد، از صادرات حدود پنج میلیون دلار کالا شامل بادام‌زمینی، کشمش و خرما به کشورهای همسایه خبر داده و می‌گوید: با وجود انجام صادرات، حدود ۶ ماه تا نزدیک یک سال است که درگیر فرآیند رفع تعهد ارزی و مسائل مربوط به واردات شده است. بخشی از کالاهای متعلق به این مجموعه در گمرک جلفا متوقف مانده و پس از پیگیری مراحل قانونی، به دلیل کارت اولی بودن کارت بازرگانی، سهمیه واردات به این کارت تعلق نگرفته؛ موضوعی که امکان ثبت سفارش و ادامه فرآیند واردات را با مشکل مواجه کرده است.

یکی از چالش‌های مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، نبود تناسب میان میزان صادرات انجام‌شده و امکان استفاده از ارز حاصل از آن برای واردات است. وی تاکید دارد که درخواستش دریافت ارز دولتی نیست، بلکه می‌خواهد بتواند از منابع ارزی حاصل از صادرات خود برای تامین کالاهای مورد نیاز استفاده کند. با وجود آنکه انتظار می‌رود صادرکننده متناسب با میزان صادرات خود بتواند نسبت به واردات اقدام کند، نبود سهمیه واردات عملا امکان ثبت سفارش را محدود کرده است.

این فعال اقتصادی همچنین از پیگیری موضوع در بخش‌های مختلف وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داده و گفته است که در ماه‌های گذشته بارها برای حل مشکل مراجعه و مکاتبه کرده، اما موضوع میان بخش‌های مختلف ارجاع شده و همچنان پاسخ روشنی درباره علت نبود سهمیه و مسیر قانونی حل مشکل دریافت نکرده است. موضوع دیگری که این صادرکننده مطرح کرده، ابطال درخواست‌های وارداتی مربوط به موز و انبه است. حدود پنج میلیون دلار از درخواست‌های وارداتی از سوی دولت ابطال شده، در حالی که این درخواست‌ها از سوی او لغو نشده بود. پس از این اتفاق، اعلام شده که باید در صف بازگشت مبالغ قرار بگیرد؛ مسئله‌ای که به اعتقاد او، علاوه بر ایجاد بلاتکلیفی مالی، برنامه‌ریزی برای ادامه فعالیت تجاری را نیز دشوار کرده بنابراین خواستار شفاف شدن سازوکار ابطال درخواست‌های وارداتی و تعیین تکلیف منابعی شده که در نتیجه این تصمیم بلاتکلیف مانده‌اند.

مشکلات مطرح‌شده تنها به تجارت خارجی و ترخیص کالا محدود نمی‌شود و تامین برخی مواد مورد نیاز خط تولید را نیز تحت تاثیر قرار داده است. وی با اشاره به نیاز واحد تولیدی خود به موادی از جمله اکسیژن و اسید نیتریک اظهار کرده که به دلیل نبود سهمیه واردات، امکان تامین این اقلام فراهم نشده و ادامه فعالیت خط تولید با خطر توقف مواجه است. در شرایطی که از یک سو دستگاه‌های مختلف بر ادامه فعالیت واحدهای تولیدی و انعقاد قرارداد تاکید می‌کنند، از سوی دیگر محدودیت‌های موجود در فرآیند تجارت خارجی امکان تامین نیازهای واحدها را دشوار کرده است. حتی زمانی که فعال اقتصادی آمادگی دارد هزینه واردات را از محل ارز حاصل از صادرات خود تامین کند، محدودیت‌های سامانه‌ای و نبود سهمیه می‌تواند مانع انجام این فرآیند شود. یکی دیگر از مشکلات مطرح‌شده، بلاتکلیفی تعدادی از کشنده‌های متعلق به این مجموعه در ترکیه است. این صادرکننده مدعی است چند دستگاه کشنده حدود ۶ ماه در این کشور متوقف مانده‌اند و در این مدت برخی از آنها توسط افراد محلی توقیف شده یا از دسترس خارج شده‌اند. ادامه این وضعیت علاوه بر تحمیل هزینه‌های مضاعف، سرمایه مجموعه را نیز با خطر بلاتکلیفی و از دست رفتن مواجه کرده است.

ضرورت شفاف‌سازی درباره سهمیه واردات و رفع تعهد ارزی



مجموع مشکلات مطرح‌شده از سوی این فعال اقتصادی، بار دیگر مسئله هماهنگی میان سیاست‌های ارزی، مقررات وارداتی و نیازهای واقعی فعالان تجاری را مطرح می‌کند؛ اینکه آیا صادرکننده‌ای که ارز حاصل از فعالیت صادراتی خود را در اختیار دارد، می‌تواند بدون قرارگرفتن در صف تخصیص ارز دولتی، نیازهای وارداتی خود را تامین کند و اگر پاسخ مثبت است، چه محدودیت‌هایی در این مسیر وجود دارد؟

در این میان، موضوع اختصاص سهمیه واردات به کارت‌های بازرگانی جدید، نحوه استفاده از ارز حاصل از صادرات، دلایل ابطال درخواست‌های وارداتی و زمان‌بندی فرآیندهای اداری از جمله مسائلی است که نیازمند شفاف‌سازی دستگاه‌های مسئول است. از سوی دیگر، اتاق بازرگانی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی می‌تواند با بررسی این موارد و پیگیری مشکلات مطرح‌شده، زمینه مشخص شدن موانع اجرایی و ارائه راهکار برای تسهیل تجارت را فراهم کند. آنچه فعالان اقتصادی در این زمینه مطالبه می‌کنند، دریافت امتیاز ویژه یا استفاده از منابع ارزی دولتی نیست، بلکه فراهم شدن امکان استفاده از منابع حاصل از فعالیت خود و برخورداری از یک مسیر شفاف، قابل پیش‌بینی و متناسب با میزان صادرات و نیازهای وارداتی است؛ مسیری که در صورت اختلال، نه تنها تجارت خارجی، بلکه تامین مواد اولیه، سرمایه در گردش و ادامه فعالیت واحدهای تولیدی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. با این حال، برای روشن شدن ابعاد موضوع، پاسخ وزارت صنعت، معدن و تجارت و گمرک درباره علت اختصاص نیافتن سهمیه واردات، وضعیت کالاهای متوقف‌شده در گمرک جلفا و امکان استفاده از ارز حاصل از صادرات برای واردات ضروری است.



سعید منتظرالمهدی، سخنگوی فراجا:
کشفیات احتکار در کشور، سه برابر شده است

۴۳۰۰ داروخانه استان تهران ۲۰ هزار میلیارد تومان از بیمه‌ها طلب دارند

بحران نقدینگی در زنجیره تامین دارو



داروخانه‌ها در آخرین حلقه زنجیره تامین دارو ایستاده‌اند؛ جایی که بیمار برای تهیه داروی مورد نیازش مراجعه می‌کند، اما پشت پیشخوان این مراکز، بحران دیگری جریان دارد: داروخانه‌هایی که دارو را امروز تحویل می‌دهند، سهم بیمه را از بیمار دریافت نمی‌کنند و ماه‌ها برای بازگشت پول خود منتظر می‌مانند. در مقابل، شرکت‌های پخش برای دریافت مطالباتشان مهلت چندماهه در نظر نمی‌گیرند و هزینه خرید دارو، حقوق کارکنان و سایر مخارج نیز هر روز افزایش پیدا می‌کند. حاصل این معادله، کاهش نقدینگی داروخانه‌ها و دشوارتر شدن تامین دوباره داروست؛ وضعیتی که در شرایط جنگ، تحریم و تورم می‌تواند پیامدهایی فراتر از مشکلات مالی یک صنف داشته باشد.

گلایه داروخانه‌ها از تاخیر بیمه‌ها در پرداخت مطالبات، موضوع تازه‌ای نیست؛ اما طولانی شدن دوره انتظار و افزایش حجم بدهی‌ها، نگرانی‌ها را جدی‌تر کرده است. دکتر بهمن صبور، عضو انجمن داروسازان تهران از طلب بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومانی داروخانه‌های استان تهران از بیمه‌ها خبر داده و اعلام کرده بود حدود چهار هزار و ۳۰۰ داروخانه در این استان فعالیت می‌کنند. همزمان، شهرام کلانتری خاندانی، رئیس انجمن داروسازان ایران میزان مطالبات داروخانه‌ها از سازمان‌های بیمه‌گر در کشور تا مرداد را حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان برآورد کرد. این ارقام نشان می‌دهد مسئله دیگر محدود به چند مرکز یا یک منطقه نیست.

پنج هزار میلیارد تومان؛ مسکن یا راه‌حل؟

در ۱۲ آبان، سازمان تامین اجتماعی از پرداخت پنج هزار میلیارد تومان از مطالبات داروخانه‌های خصوصی، پزشکان خانواده و مراکز درمانی دانشگاهی و خصوصی خبر داد. این پرداخت در شرایطی انجام شد که داروخانه‌ها همچنان از انباشت مطالبات و فشار شرکت‌های پخش گلایه داشتند.

هرچند این پرداخت می‌تواند بخشی از فشار مالی مراکز درمانی را کاهش دهد، اما نباید آن را به معنای تسویه کامل بدهی داروخانه‌ها دانست؛ زیرا مبلغ اعلام‌شده به چند گروه از مراکز درمانی اختصاص داشته و تنها بخشی از مطالبات را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، تامین اجتماعی پیشتر در پاسخ به انتقادها اعلام کرده بود که مطالبات داروخانه‌های غیردانشگاهی را تا پایان بهمن ۱۴۰۴ تسویه کرده و در پنجم شهریور نیز سه هزار میلیارد تومان از مطالبات داروخانه‌ها را پرداخت کرده است. این اختلاف در روایت‌ها نشان می‌دهد برای ارزیابی دقیق وضعیت، باید تاریخ اسناد، دوره مطالبات و میزان بدهی هر بیمه‌گر به تفکیک مشخص شود. با این حال، تداوم پرداخت‌های مقطعی و همزمان باقی ماندن مطالبات جدید، نشان می‌دهد مشکل اصلی فقط پرداخت یک بدهی نیست؛ بلکه نبود جریان مالی منظم در زنجیره داروست.

وقتی داروخانه توان خرید دوباره ندارد

مشکل مطالبات بیمه‌ای از حساب‌وکتاب داروخانه‌ها فراتر می‌رود. داروخانه برای تامین موجودی خود باید به شرکت‌های پخش پول پرداخت کند، اما بخشی از درآمدش را باید از بیمه‌ها دریافت کند. بنابراین هر ماه تاخیر در پرداخت، بخشی از سرمایه در گردش آن را از چرخه خرید خارج می‌کند. این وضعیت با افزایش قیمت دارو پیچیده‌تر می‌شود. داروخانه‌ای که چند ماه قبل با سرمایه مشخصی می‌توانست موجودی خود را تکمیل کند، امروز برای خرید همان حجم دارو به منابع مالی بیشتری نیاز دارد. در نتیجه، حتی اگر دارو در کارخانه یا انبار شرکت‌های پخش موجود باشد، ممکن است داروخانه توان خرید مجدد آن را نداشته باشد.

این همان نقطه‌ای است که بحران نقدینگی به مسئله دسترسی مردم به دارو تبدیل می‌شود. کمبود دارو همیشه به معنای نبود تولید یا واردات نیست؛ گاهی دارو در زنجیره تامین وجود دارد، اما ضعف مالی حلقه توزیع مانع رسیدن آن به بیمار می‌شود. البته نباید همه کمبودهای دارویی را به بدهی بیمه‌ها نسبت داد، اما نمی‌توان نقش این بدهی‌ها را در تشدید اختلال عرضه نادیده گرفت.

جنگ و تحریم؛ فشار مضاعف بر زنجیره دارو

اقتصاد دارو در ایران پیش از شرایط جنگی نیز با مشکلاتی مانند نوسان ارز، دشواری تامین مواد اولیه، هزینه‌های واردات و تاخیر در تخصیص منابع مواجه بود. تحریم‌ها نیز از طریق محدودیت نقل‌وانتقال پول، دشواری مبادلات بانکی و افزایش هزینه واردات، مسیر تامین دارو را پیچیده‌تر کرده‌اند. در شرایط جنگی، افزایش نااطمینانی اقتصادی و اختلال احتمالی در مسیرهای حمل‌ونقل و تامین، فشار بیشتری بر تولیدکنندگان و واردکنندگان وارد می‌کند. در چنین وضعیتی، نقدینگی برای ادامه تولید، خرید مواد اولیه و توزیع دارو اهمیت دوچندان دارد. اگر تولیدکننده، شرکت پخش و داروخانه همزمان با کمبود منابع مالی مواجه باشند، کوچک‌ترین اختلال در پرداخت‌ها می‌تواند به حلقه‌های دیگر نیز منتقل شود.

نقی شهابی‌مجد، معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان غذا و دارو با اشاره به انباشت بدهی‌ها در زنجیره تامین دارو گفت: مجموع بدهی‌های این زنجیره به حدود ۲۷۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که از این میزان، حدود ۷۰ همت مربوط به بخش دولتی و ۲۰۰ همت مربوط به بخش خصوصی است. شهابی‌مجد با بیان اینکه تاخیر در پرداخت مطالبات، تامین نقدینگی شرکت‌های فعال در حوزه دارو را با مشکل مواجه کرده است، افزود: در برخی موارد، زمان انتظار شرکت‌ها برای دریافت مطالبات به نزدیک یک سال رسیده است؛ موضوعی که توان مالی فعالان این حوزه را برای ادامه فعالیت و تامین به‌موقع دارو تحت فشار قرار می‌دهد.

معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان غذا و دارو تاکید کرد: انباشت این بدهی‌ها صرفا یک مشکل حسابداری نیست، بلکه می‌تواند بر روند تامین، تولید و توزیع دارو اثر بگذارد و با اختلال در گردش مالی زنجیره، دسترسی بیماران به دارو را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

بیمار؛ حلقه‌ای که هزینه ناترازی را می‌پردازد

در نهایت، پیامد این وضعیت به بیمار منتقل می‌شود. افزایش قیمت دارو، کاهش قدرت خرید خانوار و احتمال اختلال در پوشش بیمه‌ای، می‌تواند هزینه درمان را سنگین‌تر کند. طرح دارویار نیز که با هدف جبران مابه‌التفاوت قیمت دارو و جلوگیری از افزایش پرداخت از جیب مردم اجرا شد، برای تحقق اهداف خود به تامین و تخصیص منظم منابع نیاز دارد. اگر منابع بیمه‌ها به‌موقع تامین نشود، فشار مالی به حلقه‌های دیگر منتقل خواهد شد و احتمال تحمیل هزینه بیشتر به بیمار افزایش می‌یابد.

این مسئله برای بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن و خاص اهمیت بیشتری دارد؛ بیمارانی که نمی‌توانند خرید داروی خود را به ماه بعد موکول کنند یا در صورت نبود دارو، درمان را متوقف کنند.

راهکار کوتاه‌مدت، تسویه زمان‌بندی‌شده مطالبات و تامین نقدینگی فوری برای داروخانه‌هاست. در کنار آن، منابع بیمه‌ها و طرح دارویار باید به موقع تخصیص یابد و میزان بدهی هر سازمان بیمه‌گر به‌صورت شفاف اعلام شود. استفاده از تسهیلات بانکی نیز می‌تواند موقتا کمک‌کننده باشد، اما نباید جایگزین پرداخت بدهی‌ها شود؛ چراکه در این صورت داروخانه باید علاوه بر تحمل تاخیر بیمه، هزینه سود وام را هم بپردازد. داروخانه نمی‌تواند برای مدت نامحدود هزینه کمبود نقدینگی بیمه‌ها را تامین کند. در شرایطی که جنگ و تحریم، تامین دارو را دشوارتر کرده‌اند، حفظ توان مالی آخرین حلقه زنجیره دارو به اندازه حمایت از تولید و واردات اهمیت دارد.

پیگیری مطالبات داروخانه‌ها به مجلس رسید

بحران مطالبات معوق داروخانه‌ها از بیمه‌ها، به یکی از محورهای پیگیری در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تبدیل شده است. دو عضو این کمیسیون با انتقاد از تاخیرهای طولانی در پرداخت بدهی‌ها، نسبت به پیامدهای ادامه این وضعیت برای داروخانه‌ها، شرکت‌های پخش و در نهایت دسترسی بیماران به دارو هشدار داده‌اند.

همایون سامه‌یج نجف‌آبادی، رئیس کمیته داروی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با اشاره به بدهی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومانی بیمه‌ها به داروخانه‌ها، پرداخت پنج همت از این مطالبات را اقدامی مثبت، اما ناکافی توصیف کرد. وی گفت: بخش عمده مطالبات داروخانه‌ها مربوط به سازمان تامین اجتماعی است و انباشت بدهی‌ها نباید به مرحله‌ای برسد که امکان پرداخت و تامین نقدینگی از بین برود.

به گفته او، تاخیر در دریافت مطالبات، تنها داروخانه‌ها را گرفتار نمی‌کند و شرکت‌های پخش و کل صنعت دارو نیز از پیامدهای آن متاثر می‌شوند.

سامه‌یج همچنین هشدار داد تداوم مشکلات نقدینگی در این زنجیره می‌تواند زمینه‌ساز فساد، رانت و تخلفات مالی شود.

در همین زمینه، مهدی فلاح، رئیس کمیته تجهیزات پزشکی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس و نماینده مردم رشت و خمام، نیز تاخیر بیمه‌ها در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها را نگران‌کننده دانست. وی با اشاره به اینکه معوقات بیمه‌ای در برخی موارد به بیش از ۹ ماه تا یک سال می‌رسد، پیشنهاد کرد برای جبران این فاصله زمانی، تسهیلات بانکی در اختیار بیمه‌ها یا مستقیما داروخانه‌ها قرار گیرد تا تامین نقدینگی و خرید دارو با وقفه مواجه نشود.

فلاح همچنین با اشاره به تاخیر طولانی مدت بیمه‌ها در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها گفت: معوقات بیمه‌ای گاهی به بیش از ۹ ماه تا یک سال می‌رسد. وی افزود: در این فاصله، ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند و قیمت دارو افزایش می‌یابد؛ بنابراین مبلغی که داروخانه پس از ماه‌ها انتظار دریافت می‌کند، دیگر قدرت خرید زمان ارائه خدمت را ندارد. این نماینده مجلس همچنین بر حمایت ویژه از داروخانه‌های کوچک تاکید کرد و گفت: این واحدها به دلیل برخورداری از توان مالی محدود، در برابر انباشت مطالبات و تاخیرهای طولانی آسیب‌پذیرتر هستند.

افزایش ۳۰ درصدی ذخایر سدهای کشور

حجم آب مخازن سدهای کشور تا دهم آبان به ۲۲ میلیارد و ۵۸۰ میلیون مترمکعب رسید که نشان‌دهنده رشد ۳۰ درصدی نسبت به سال گذشته است. به گزارش «مهر» بر مبنای تازه‌ترین آمارها تا دهم آبان سال آبی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، میزان آب انباشته‌شده در مخزن‌های سدهای سراسر کشور به ۲۲ میلیارد و ۵۸۰ میلیون مترمکعب بالغ گردید. این میزان در سنجش با دوره مشابه سال گذشته، از افزایشی معادل ۳۰ درصد حکایت دارد.

با وجود رشد ذخایر در مقایسه با پارسال، ارزیابی شرایط کنونی در قیاس با میانگین ۱۰ ساله گویای آن است که حجم آب موجود در مخزن‌ها صرفا پنج درصد بالاتر از متوسط بلندمدت ایستاده است. افزون بر این، درصد پرشدگی مخازن سدهای کشور به حدود ۴۳ درصد بالغ شده و بیش از ۵۷ درصد از گنجایش سدها همچنان خالی مانده است. بررسی آمارهای مربوط به ورودی آب به مخزن سدهای کشور نشان می‌دهد که از آغاز سال آبی جاری تا دهم آبان، مجموع آب ورودی به سدها به یک میلیارد و ۹۱۰ میلیون مترمکعب رسیده است. این مقدار در بازه زمانی مشابه سال قبل یک میلیارد و ۱۱۰ میلیون مترمکعب و میانگین ۱۰ ساله آن نیز یک میلیارد و ۷۲۰ میلیون مترمکعب ثبت شده بود.

بر همین اساس، ورودی آب به سدهای کشور در مقایسه با سال گذشته ۷۲ درصد و در قیاس با میانگین ۱۰ ساله حدود ۱۰ درصد افزایش را به ثبت رسانده است. در همین فاصله زمانی، حجم آب خروجی از سدهای کشور به دو میلیارد و ۶۵۰ میلیون مترمکعب بالغ گشته که در قیاس با مدت مشابه سال گذشته، با افزایشی ۶ درصدی روبه‌رو بوده است.

دوستی، لار و طرق؛ در زمره کم‌آب‌ترین سدهای کشور

تحلیل وضعیت سدهای کلیدی کشور نشان می‌دهد که با وجود بهبود ذخایر در سطح ملی، شماری از مخزن‌ها کماکان با شرایط بحرانی و نامطلوبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سد دوستی واقع در استان خراسان رضوی با برخورداری از تنها یک درصد پرشدگی و ۱۵ میلیون مترمکعب ذخیره آبی، یکی از وخیم‌ترین وضعیت‌ها را در میان سدهای مهم کشور به خود اختصاص داده است. سطح ذخایر این سد در مقایسه با میانگین ۱۰ ساله، افت ۹۵ درصدی را نشان می‌دهد. پس از آن، سد لار در استان تهران با دو درصد پرشدگی و ۲۳ میلیون مترمکعب ذخیره آب واقع شده است. میزان ذخایر این سد نیز نسبت به میانگین ۱۰ ساله ۵۳ درصد کاهش یافته است. سد طرق در خراسان رضوی هم با برخورداری از تنها سه درصد پرشدگی و یک میلیون مترمکعب ذخیره آب، جزو دیگر سدهای با وضعیت نگران‌کننده به شمار می‌رود. حجم ذخایر این سد در مقایسه با متوسط ۱۰ ساله ۹۲ درصد افت داشته است.

سد بارادو در خراسان شمالی نیز با سه درصد پرشدگی و سه میلیون مترمکعب ذخیره آب در شرایط نامناسبی قرار دارد. همچنین سد شمیل و نیان در استان هرمزگان با هشت درصد پرشدگی و پنج میلیون مترمکعب ذخیره آب، از دیگر مخازن کم‌آب کشور محسوب می‌شوند.

وضعیت سدهای تهران؛ لار تنها دو درصد پر است

در استان‌های تهران و البرز نیز وضعیت سدها یکدست نیست. سد امیرکبیر با داشتن ۱۲۰ میلیون مترمکعب ذخیره، حدود ۶۷ درصد پرشدگی دارد؛ در مقابل، سد لار با ۲۳ میلیون مترمکعب ذخیره تنها دو درصد پر است. درصد پرشدگی سدهای طالقان، لتیان و ماملو نیز به ترتیب ۳۷، ۲۷ و ۱۱ درصد اعلام شده است. بدین ترتیب، سه سد لار، ماملو و لتیان کماکان فاصله زیادی با وضعیت مطلوب ذخایر آبی دارند.

وضعیت متناوب سدهای خوزستان و سایر استان‌ها

در سوی مقابل، برخی از سدهای کشور از شرایط مطلوب‌تری برخوردارند. در استان خوزستان، سدهای کارون، دز و کرخه به ترتیب دارای پرشدگی ۶۲، ۳۸ و ۴۰ درصدی هستند. همچنین میزان پرشدگی سد مارون ۴۶ درصد گزارش شده است. در استان آذربایجان شرقی نیز سدهای خداآفرین، ستارخان، شهید کاظمی و بارون در محدوده رشد ذخایر نسبت به میانگین بلندمدت جای دارند. مقایسه داده‌های آماری سدهای کشور بیانگر آن است که فزونی گرفتن ذخایر نسبت به سال گذشته، به مفهوم بهبود یکنواخت منابع آبی در تمامی استان‌ها نیست و همچنان تعدادی از سدهای راهبردی کشور با افت ذخایر در قیاس با متوسط بلندمدت دست به گریبانند.

بنابراین، هرچند حجم آب موجود در مخازن سدهای کشور در مقایسه با سال قبل بیشتر شده، اما با عنایت به پرشدگی تقریبی ۴۳ درصدی مخازن و شرایط نامطلوب پاره‌ای از سدهای مهم، رتق و فتق و مدیریت منابع و مصارف آب کماکان از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

آماده‌باش صندوق بیمه حوادث ساختمان برای خسارت بارش‌ها



رئیس هیات عامل صندوق بیمه حوادث طبیعی ساختمان از آماده باش کامل واحدها برای ارزیابی خسارت‌های ناشی از بارش‌های اخیر و لزوم ثبت هفت روزه خبر داد.

به گزارش «آگاه» رئیس هیات عامل این صندوق از آماده باش کامل تمامی واحدهای تابعه به منظور رسیدگی به زیان‌های احتمالی ناشی از بارندگی‌های وسیع روزهای اخیر خبر داد و از شهروندان گرامی درخواست کرد تا به اطلاعیه‌ها و هشدارهای اعلام‌شده دقت نمایند.

شمس‌الله سلامی با تبیین تداوم نزولات جوی سنگین و اعلام وضعیت هشدار قرمز در برخی نواحی کشور اظهار داشت: تمامی بخش‌های صندوق در هوشیاری کامل به سر می‌برند تا گزارش زیان‌ها را دریافت و رسیدگی نمایند. منازل مسکونی که دارای اشتراک قانونی برق هستند تحت چتر حمایتی صندوق قرار دارند و ارزیابان جهت سنجش صدمات احتمالی آماده اعزام هستند. سلامی اضافه کرد: به دنبال هماهنگی‌های به عمل آمده با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان مدیریت بحران کشور و سایر سازمان‌های اجرایی همکار، کارشناسان صندوق آماده‌اند تا در صورت اقتضا عازم مناطق آسیب‌دیده شوند تا روند رسیدگی به پرونده‌ها با فوریت دنبال شود. رئیس هیات عامل صندوق ضمن تاکید بر اهمیت اعلام به‌موقع صدمات از سوی شهروندان تصریح کرد: ساکنان خانه‌های صدمه‌دیده بایستی سانحه را نهایتا تا هفت روز پس از وقوع، از طریق مدیریت بحران استان مربوطه اطلاع‌رسانی کرده و در سامانه صندوق درج نمایند. ثبت زیان در بازه زمانی تعیین‌شده برای تشکیل و پیگیری پرونده لازم است؛ به همین جهت از هم‌وطنان تقاضا داریم این مهلت قانونی را مدنظر قرار دهند.

تلاش برای استمرار آموزش و برقراری ارتباط با دانش‌آموزان

۴۸ هزار کودک بازمانده از تحصیل به مدرسه برگشتند

معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه بازگرداندن هر دانش‌آموز به مدرسه حاصل تلاش و پیگیری مستمر است، گفت: امسال ۴۸ هزار کودک بازمانده از تحصیل به آموزش برگشت داده شدند.

به گزارش «ایرنا» رضوان حکیم‌زاده بیان کرد: سال گذشته نیز ۳۲ هزار کودک بازمانده از تحصیل به مدرسه برگشتند. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش افزود: پشت بازگشت هر کودک به مدرسه، روایت طولانی از تلاش و زحمات وجود دارد و به همین دلیل شهادت دانش‌آموزانی که در مدارس حضور داشتند و برای تحصیل ثبت‌نام کرده بودند، دردناک‌تر است. وی با ابراز تاسف از حمله به مراکز آموزشی کشور در جنگ‌های تحمیلی اخیر، به شهادت ۲۹۵ دانش‌آموز در کنار ۶۸ معلم اشاره کرد و این اقدامات را جنایت جنگی دانست.

حکیم‌زاده با اشاره به شهادت تیارا صادقی در یزد گفت: این دانش‌آموز در کنار پدر و مادرش و بر اثر ترس ناشی از حملات جان خود را از دست داد. وی خاطرنشان کرد: رنجی که بر کودکان و خانواده‌های ایرانی تحمیل شد، سند جنایت دشمن و باطل‌کننده ادعاهای آنان درباره کمک و آزادی است. مصائب و اتفاقاتی که دانش‌آموزان با چشمان خود دیدند و تجربه کردند، هیچ‌گاه از حافظه آنان پاک نخواهد شد. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش گفت: با عزم جدی و همراهی همه دستگاه‌ها اجازه نخواهیم داد مسیر دانایی و توانایی ملت بزرگ ایران در مدارس، تحت هیچ شرایطی متوقف شود.

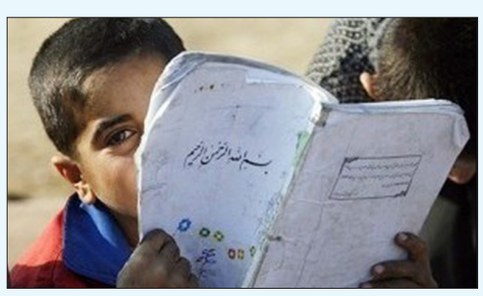
تداوم آموزش، ایجاد آرامش و بازگرداندن دانش‌آموزان به مدرسه

حکیم‌زاده درباره اقدامات این وزارتخانه برای استمرار آموزش در دوران جنگ ۴۰ روزه و جنگ ۱۲ روزه اظهار کرد: با این درک که مدارس و نظام آموزشی فقط محل خواندن و نوشتن و آموختن الفبا نیستند، تلاش کردیم اجازه ندهیم جریان آموزش متوقف شود. وی افزود: مدارس زنده‌ترین سلول‌های بنیادی جامعه هستند که امید، انسجام و زندگی را در جامعه جاری می‌کنند. معلمان و مدیران در سراسر کشور، حتی در روستاها و شرایط دشوار، با غیرت ملی پای کار آمدند.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش درباره سه محور اصلی اقدامات آموزش‌وپرورش در دوران جنگ ادامه داد: نخستین اقدام، تداوم آموزش به هر طریق ممکن بود که از طریق درس‌نامه‌ها، مدرسه تلویزیونی و فضای مجازی و بسترشاد دنبال شد و حمایت رئیس جمهور نیز در این زمینه نقش موثری داشت.

حکیم‌زاده، ایجاد آرامش برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان را دومین محور اقدامات دانست و خاطرنشان کرد: مدرسه باید امن‌ترین مکان جهان برای کودکان باشد و حفاظت از آموزش به معنای حفاظت از آینده بشراست. دشمن در روز نخست جنگ امنیت را از خانواده‌های ما گرفت، اما رسالت ما فقط ارائه آموزش نبود؛ بلکه باید به خانواده‌ها، دانش‌آموزان و معلمان نیز برای بازگشت آرامش کمک می‌کردیم. وی ادامه داد: از طریق ارتباط تلفنی مستقیم، ارتباط رودررو و حضور در کلاس‌های مجازی، شبکه ارتباطی گسترده‌ای با خانواده‌ها ایجاد کردیم که نقش مهمی در تقویت آرامش و امید در جامعه داشت.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش درباره سومین محور اقدامات آموزش و پرورش گفت: پیام رئیس جمهور در روز دوازدهم جنگ ۱۲ روزه، زمانی که جلسه‌ای با موضوع آموزش و پرورش برگزار کرد، از نظر روان‌شناختی تاثیر مهمی بر جامعه داشت. این پیام نشان می‌داد که حتی در شرایط جنگ و بحران نیز باید به وظایف خود عمل کنیم و برای امروز برنامه داشته باشیم.



حکیم‌زاده با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای وطن، به‌ویژه فرهنگیان و دانش‌آموزان شهید مدرسه شجره طیبه میناب و مدرسه پسرانه ره‌پویان خلیج فارس، اظهار کرد: باید یاد دانش‌آموزان شهید مدرسه پسرانه ره‌پویان خلیج فارس نیز گرامی داشته شود؛ چراکه با توجه به انتشار اولیه اخبار مربوط به مدرسه دخترانه، دانش‌آموزان پسر این مدرسه کمتر مورد توجه قرار گرفتند. وی با قدردانی از برگزارکنندگان این نشست افزود: این همایش فرصت ارزشمندی برای ثبت تجربه‌ای تلخ در تاریخ نظام آموزشی و ملت ایران و بررسی ابعاد حقوقی، آموزشی، تربیتی و خانوادگی این اتفاقات است.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش درباره بازدید خود از میناب در زمان بازگشایی مدارس در اول مهر گفت: در گفت‌وگو با مردم محلی شنیدم که پیش از اصابت دو موشک به مدرسه، دو جنگنده دشمن منطقه را بررسی و اطراف مدرسه را رصد کرده بودند. مردم محلی با چشمان خود این اتفاق را دیده بودند و براساس روایت آنان، حمله به مدرسه آگاهانه انجام شده است.

حکیم‌زاده با تاکید بر ضرورت انتقال این روایت به افکار عمومی جهان ادامه داد: باید این موضوع برای وجدان تاریخ و بشریت روشن شود و از نمایندگان نهادهای بین‌المللی می‌خواهیم این روایت‌ها را منتقل کنند. وی با اشاره به پیشینه تمدنی و علمی ایران خاطرنشان کرد: ملت ایران در طول تاریخ با تکیه بر دانش، علم‌آموزی و خردورزی توانسته است در برابر تجاوز دشمنان ایستادگی کند. حتی در دوره‌هایی که بخش‌هایی از سرزمین ایران اشغال شده، قدرت علمی و تمدنی ایرانیان زمینه عقب راندن متجاوزان را فراهم کرده است.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به حمله اسکندر و مغول‌ها به ایران افزود: در دوره حمله مغول، کتابخانه‌ها و مراکز علمی ما آسیب دیدند، اما دانشمندانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی با قدرت علمی خود توانستند از ظرفیت‌های موجود برای شکوفایی تمدن ایرانی-اسلامی استفاده کنند.

حکیم‌زاده ادامه داد: در دوران معاصر نیز فرزندان این ملت که در مدارس و دانشگاه‌های کشور آموزش دیده‌اند، با تکیه بر دانش بومی و توان علمی خود در حوزه‌های مختلف، از جمله فناوری‌های نظامی، نانو و زیست فناوری پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند. وی با بیان اینکه دشمن در حملات خود منشأ قدرت جامعه ایران را هدف قرار داد، گفت: آنها به جایی حمله کردند که سرچشمه قدرت جامعه ماست؛ یعنی مدرسه و دبستان. از همین دبستان‌ها مسیر دانایی و توانایی ملت آغاز می‌شود.

آگاه

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه ۶۸۴

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
agaah_ir | m@agaah.ir | www.Agaah.ir

یک‌شنبه

۱۷ آبان ماه ۱۴۰۵

۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۸ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

کاغذی

تکست‌هیپ

درکره جنوبی، کتاب و ادبیات دارند به بخشی از سبک زندگی جوانان تبدیل می‌شوند؛ جریانی که به آن «تکست‌هیپ» می‌گویند.
انتشارات مینومسا با فروشگاه‌های زنجیره‌ای GS25 نان‌هایی با بسته‌بندی شبیه جلد آثار ادبی (مثل «غرور و تعصب» جین آستن) عرضه کرده که داخل هر بسته یکی از ۲۰ نشان کتاب کلکسیونی قرار دارد. در کمتر از دو ماه، دو میلیون نان فروخته شده و بعضی نشان‌ها حتی در بازار دست‌دوم، گران‌تر از خود نان به فروش رسیده‌اند!
انتشارات چانگبی هم با همکاری شرکت خدمات غذایی سامسونگ، در بیش از ۱۲۰ غذاخوری محل کار، برنامه «کتاب فروشی پاییزی» را با خوراکی‌های مخصوص، شعر، معرفی کتاب و دیدار با نویسندگان اجرا کرده است. شرکت لوته نیز با همکاری انتشارات بوکک، آدامس‌هایی عرضه کرده که روی کاغذ دورشان شعرهای کوتاه چاپ شده است. این تجربه‌ها نشان می‌دهند که همکاری ناشران با کسب‌وکارهای روزمره، هم فرصتی برای معرفی ادبیات است و هم می‌تواند برای آن کسب‌وکارها فرصت تجاری تازه‌ای ایجاد کند.

نوشیدنی‌های انرژی‌زا با قلب ما چه می‌کنند؟

بر اساس نتایج یک مطالعه جدید، نوشیدنی‌های انرژی‌زا می‌توانند برای جوانان به معنای واقعی کلمه خطرناک باشند و باعث ایست قلبی شوند.
نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد، نوشیدنی‌های انرژی‌زای حاوی کافئین و مکمل‌های محرک، به‌طور مکرر با موارد ایست قلبی و حمله قلبی، مرتبط بوده‌اند. گزارشی از نتایج این تحقیق به سازمان غذا و داروی آمریکا ارائه شده است. این یافته‌ها به انجمن قلب آمریکا نیز گزارش خواهد شد.
علاوه بر این، پژوهشگران دریافتند که در ۴۵ درصد از گزارش‌هایی که این محصولات با فوریت‌های پزشکی سلامت قلب مرتبط می‌داند، مربوط به جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله بوده است.
در نتیجه تحقیق اخیر پژوهشگران با مقایسه نوشیدنی های انرژی زا و مکمل ها با محصولاتی که فاقد کافئین یا سایر مواد محرک هستند، دریافتند که ایست قلبی در پی مصرف نوشیدنی‌های انرژی‌زا، حدود ۱۱ برابر شایع‌تر است، حملات قلبی ۴.۵ برابر بیشتر رخ می‌دهند. اختلال در ریتم قلب چهار برابر شایع‌تر است. افزایش ضربان قلب تقریبا سه برابر بیشتر دیده می‌شود. درد قفسه سینه ۲.۷ برابر شایع‌تر است. غش کردن نیز دو برابر بیشتر اتفاق می‌افتد.
سای سامایامانتولا، پژوهشگر در دانشکده پزشکی دانشگاه ویرجینیا، در یک بیانیه خبری درباره نوشیدنی‌های انرژی‌زا می‌گوید: این نوشیدنی‌ها که به عنوان اقلامی برای تجدید قوا در طول روز تبلیغ می شوند در فروشگاه‌ها و سوپرمارکت‌ها در کنار نوشابه‌ها و آب‌های معدنی به فروش می‌رسند؛ از این رو، بیشتر مردم تصور می‌کنند که هیچ خطر واقعی به همراه ندارند.
او می افزاید: برای بسیاری از افراد سالم، اگر مصرف این محصولات همیشگی نباشد و به صورت گاه‌به‌گاه باشد، احتمالا خطر ناچیزی دارد. با این حال، کسانی که به طور منظم از نوشیدنی های انرژی زا یا سایر مکمل‌های حاوی مواد محرک استفاده می‌کنند، ممکن است به‌سرعت از حد مجاز روزانه کافئین فراتر روند؛ بنابراین، آگاهی از این نکته برای افراد ضروری است که مصرف این محصولات می‌تواند با خطر آسیب‌های قلبی و عروقی همراه باشد.
محققان تحقیق اخیر همچنین می‌گویند نوشیدنی‌های انرژی‌زا سرشار از کافئین هستند و گزارش‌های علمی آنها را با ریتم نامنظم قلب یا ایست قلبی مرتبط دانسته‌اند. در بیانیه علمی انجمن قلب آمریکا به این مسئله اشاره شده که مصرف ۴۰۰ میلی گرم کافئین در روز معادل حدود چهار فنجان قهوه سیاه، به طور کلی برای اکثر بزرگسالان بی خطر است. اما برخی نوشیدنی‌های انرژی‌زا حاوی سه برابر کافئین بیشتر در هر ۲۹ گرم مایع هستند و برخی مکمل‌هایی که برای قبل از تمرینات ورزشی مصرف می‌شوند، بیش از ۱۲ برابر کافئین دارند.



آب و هوا

هشدار نارنجی بارش برای ۱۸ استان

سازمان هواشناسی نسبت به وقوع امواج ۳٫۵ متری در سواحل دریای خزر هشدار سطح قرمز صادر کرد.
سازمان هواشناسی با صدور هشدار دریایی سطح قرمز از وزش باد شدید و بسیار شدید و افزایش ارتفاع امواج در مناطق ساحلی و دور از ساحل استان‌های گیلان و مازندران در دریای خزر طی روز دوشنبه ۱۸ آبان خبرداد.
سازمان هواشناسی از تشدید فعالیت سامانه بارشی در نقاط مختلف کشور طی روزهای شنبه تا دوشنبه خبر داد که با بارش باران، رعدوبرق، وزش باد شدید، کاهش محسوس دما و بارش برف در ارتفاعات همراه خواهد بود.
بر اثر فعالیت این سامانه، احتمال جاری شدن سیلاب، بالا آمدن ناگهانی سطح آب رودخانه‌ها، آبگرفتگی معابر، اختلال در تردد جاده‌ای و ناوگان حمل و نقل، لغزندگی محورهای مواصلاتی، کاهش دید افقی و وقوع صاعقه وجود دارد.



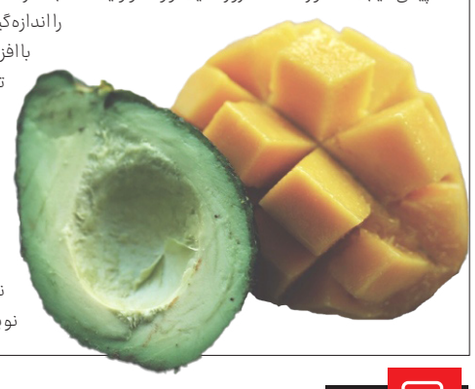
پیدا شدن لاشه یک نهنگ در ساحل غربی کیش

با پیدا شدن لاشه یک نهنگ در ساحل غربی جزیره کیش «کلبه هور» در صبح جمعه ۱۵ آبان ۱۴۰۵، اقدامات لازم برای انتقال و تعیین تکلیف آن توسط عوامل خدماتی و محیط زیستی جزیره انجام شد و نهایتا مهار لاشه و انتقال آن از دریا به ساحل صورت پذیرفت و به جهت جلوگیری از آلودگی محیطی و فساد نعشی زیاد لاشه، اقدامات لازم برای دفن آن در خاک نیز انجام شد.

عکس: نسرین فائق / ایسنا

تاثیر آووکادو و انبه برای بهبود سلامت قلب

مصرف یک آووکادو و یک فنجان انبه در روز تفاوت قابل توجهی در نحوه واکنش شریان ها به جریان خون در بزرگسالان مبتلا به پیش دیابت ایجاد کرد.
به نقل از سایتس دیلی، در کارآزمایی اخیر، محققان موسسه فناوری ایلینوی به ۸۲ بزرگسال مبتلا به پیش دیابت دستور دادند که روزانه یک آووکادو و یک فنجان انبه یا غذاهای کم چرب و کم فیبر با کالری معادل مصرف کنند. در پایان کارآزمایی، شریان ها با سهولت بیشتری در پاسخ به افزایش جریان خون در گروه میوه گسترش یافتند. این پاسخ در گروه کنترل کاهش یافت.
بعد از هشت هفته، محققان اتساع با واسطه جریان را اندازه‌گیری کردند که میزان باز شدن یک سرخرگ را با افزایش جریان خون ردیابی می‌کند.



تجزیه و تحلیل رژیم غذایی این کارآزمایی نشان داد که شرکت‌کنندگانی که این میوه‌ها را می‌خوردند، فیبر، ویتامین C و چربی‌های تک غیراشباع بیشتری دریافت کردند. از آنجا که محققان هر دو میوه را با هم آزمایش کردند، این مطالعه میزان نقش هر یک از میوه ها را به تنهایی نشان نمی‌دهد.
نویسندگان مطالعه تفاوت بین گروه‌ها را در فشار دیاستولیک اندازه گیری شده در بازو در میان مردان گزارش کردند. اندازه گیری متناظر فشار دیاستولیک مرکزی از نظر آماری معنی دار نبود. این کارآزمایی نحوه واکنش شریان ها را در طول هشت هفته اندازه گیری کرد. اینکه آیا این تغییر طول بکشد یا به حملات قلبی یا سکته کمتری تبدیل شود، مشخص نیست.
مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری توضیح می دهد که در حالت پیش دیابت، قند خون «بالاتر از حد طبیعی است، اما به اندازه کافی بالا نیست که بتوان دیابت را تشخیص داد.»
استانداردهای تغذیه انجمن دیابت آمریکا در سال ۲۰۲۶ تاکید بر مصرف سبزیجات غیر نشاسته ای، میوه‌های کامل، حبوبات، پروتئین‌های بدون چربی، غلات کامل، آجیل و دانه ها را به عنوان بخشی از الگوی غذایی برای افراد مبتلا به پیش دیابت یا دیابت توصیه می‌کند.

سبک زندگی

گذاشتن غذای داغ در یخچال کار درستی است یا اول آن را خنک کنیم؟

رها کردن غذای گرم روی پیشخوان آشپزخانه خطرات جدی مسمومیت در پی دارد و قرار دادن سریع‌تر آن در یخچال با رعایت شیوه‌های اصولی، اقدامی ایمن و ضروری است.
باورهای رایج و توصیه‌های سنتی در آشپزخانه همواره منطبق بر یافته‌های علمی نیستند و بازنگری در نحوه نگهداری باقیمانده غذای پخته شده، نقشی کلیدی در حفظ سلامت اعضای خانواده ایفا می‌کند.
یکی دیگر از این توصیه‌های دیرینه، تاکید بر لزوم خنک شدن کامل غذای پخته‌شده در دمای محیط پیش از انتقال آن به یخچال است؛ عادتی که باعث می شود قابلمه‌ها و ظروف غذا ساعت‌ها روی پیشخوان آشپزخانه به حال خود رها شوند.
اما آیا این اقدام از منظر علمی رفتاری معقول است؟ یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد واقعیت با این باور فاصله دارد و رها کردن طولانی مدت غذا در محیط، بستری خطرناک برای رشد عوامل بیماری‌زا فراهم می‌آورد.

چرا تصور می‌کنیم غذای گرم نباید فورا وارد یخچال شود؟

دکتر ابی تیل، متخصص علوم صنایع غذایی، خاطرنشان می‌کند این رفتار از چند نگرانی کهنه سرچشمه می‌گیرد. نخستین تصور رایج این است که قرار دادن ظرف داغ درون یخچال، موجب وارد آمدن فشار بیش از حد به موتور دستگاه یا خرابی کمپرسور می‌شود. همچنین بسیاری از افراد نگران آن هستند که حرارت متصاعد شده از یک ظرف بزرگ، دمای کلی یخچال را بالا ببرد و سایر اقلام موجود در قفسه‌ها را فاسد کند.
با این حال، دکتر و نسا کافمن، مدیر ائتلاف توقف بیماری‌های ناشی از غذا، تاکید می‌کند این دغدغه‌ها متعلق به نسل‌های اولیه یخچال‌ها در دهه‌های گذشته است. به گفته او، سیستم‌های خنک کننده مدرن به گونه‌ای طراحی شده‌اند که توان حرارتی لازم برای خنک سازی غذای گرم را دارند. بنابراین، خطری که از جانب باکتری‌ها در دمای اتاق سلامت افراد را تهدید می‌کند، به‌مراتب بحرانی‌تر از بار حرارتی تحمیل‌شده به یخچال است.
باور اشتباه دیگر، لزوم هم دما شدن غذا با محیط پیش از خنک سازی است. در کنار این موضوع، مسئله تعریق و تشکیل قطرات آب زیر درپوش ظرف نیز مطرح می‌شود؛ پدیده‌ای که برخی آن را دلیل ترشیدگی زودرس غذا می‌پندارند. اما دکتر تیل تصریح می‌کند عامل اصلی فاسد شدن، زمان ماندگاری غذا در محدوده دمایی رشد باکتری‌هاست، نه رطوبت ناشی از چگالش بخار.

دامنه دمایی خطرناک چیست و چه زمانی غذا ناامن می‌شود؟

دانشمندان حوزه غذا بازه دمایی بین چهار تا ۶۰ درجه سانتی‌گراد را «منطقه خطر دمایی» می‌نامند. در این گستره حرارتی، باکتری‌های بیماری‌زا سریع‌ترین نرخ تکثیر را دارند. دکتر کافمن یادآور می‌شود برخی میکروب‌ها هنگام رشد در این محدوده، سمومی ترشح می‌کنند که حتی با حرارت‌دهی مجدد و جوشاندن غذا نیز از بین نمی‌روند.
بر اساس قوانین بهداشتی، مواد غذایی پخته‌شده حداکثر می‌توانند تا دو ساعت در بازه دمایی باقی بمانند. اگر دمای محیط بالاتر از ۳۲ درجه سانتی‌گراد باشد، این فرصت حیاتی به یک ساعت کاهش می‌یابد. زمانی که تصمیم می‌گیرید ظرف غذا اندکی روی پیشخوان خنک شود، این زمان به سادگی به چند ساعت فراموشی تبدیل می‌شود و خطری جدی، به‌ویژه برای کودکان، سالمندان و افراد دارای ضعف ایمنی، ایجاد می‌کند. هدف اصلی نه رساندن غذا به دمای محیط، بلکه کاهش سریع و ایمن حرارت آن است.



آیا می‌توان غذای داغ را مستقیما داخل یخچال قرار داد؟

پاسخ صریح و علمی متخصصان مثبت است. دکتر کافمن اظهار می‌دارد نه تنها می‌توان غذای گرم را درون یخچال گذاشت، بلکه باید برای مهار رشد میکروب‌ها این اقدام را هرچه سریع‌تر انجام داد. سرما تکثیر میکروارگانیسم‌ها را متوقف یا کند ساخته و سلامت غذا را تضمین می‌کند. البته برای دستیابی به خنک‌سازی یکنواخت، رعایت چند اصل کاربردی ضروری است:

- **تقسیم غذا به بخش‌های کوچک‌تر و کم‌عمق:** به جای قرار دادن یک قابلمه بزرگ و عمیق از سوپ یا خورش در یخچال، محتویات را در ظروف کم عمق تقسیم کنید. دکتر کافمن توضیح می دهد افزایش سطح تماس غذا با هوا، فرار گرما را شتاب می‌بخشد. همچنین دکتر تیل توصیه می‌کند میان ظروف فاصله بگذارید تا جریان هوای سرد آزادانه گردش کند.
- **پوشش نیمه‌باز در مراحل نخست:** در دقایق آغازین خنک سازی، درپوش ظرف را به صورت نیمه‌باز قرار دهید تا بخار و گرمای سطحی به سرعت تخلیه شود و سپس در آن را محکم ببندید.
- **بهره‌گیری از حمام آب و یخ:** قرار دادن کف قابلمه در یک سینک یا کاسه حاوی آب و یخ و هم زدن غذا، دمای مرکزی آن را در چند دقیقه کاهش می‌دهد.
- **استفاده از قالب‌های یخ:** در غذاهای آبکی مانند سوپ‌ها، افزودن چند قطعه یخ تمیز (در صورتی که رقیق شدن طعم غذا را برهم نزند) راهکاری فوق‌العاده سریع است.
- **هم زدن منظم:** هم زدن غذا نیز حرارت به دام افتاده در لایه‌های میانی را به جریان می‌اندازد و مانع گرم ماندن هسته مرکزی ظرف می‌شود.

#تجربه_کردم

وقتی حسابی با خدا و اهل بیت رفیق می‌شیم...
و «ابلیس»، پاکار عوض کردن مون می‌ایسته... راه‌های گوناگونی داره...
اما یکی از ساده‌ترین راه‌هاش اینه:
دور و بری هایی رو می چینه دورمون... که رفتارهای الهی و ایمانی مون رو مسخره می‌کنن... یا با پرسش‌های زیرپوستی، ما رو به شک می‌ندازن...
بعد:
به خاطر حفظ رفقا و دور و بری‌ها، کوتاه می‌آییم...
بعد:
عوض می‌شیم...
بعد:
خودمون هم در باورهای اون‌ها گم می‌شیم و... فاتحه!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

فقط کم کردن نمک کافی نیست نقش پتاسیم در کنترل فشار خون

کاهش مصرف نمک یکی از توصیه‌های شناخته‌شده برای پیشگیری و کنترل فشار خون بالاست؛ اما پژوهشگران تاکید می‌کنند توجه به میزان پتاسیم دریافتی نیز باید بخشی از راهبردهای تغذیه‌ای سلامت قلب باشد. مقاله‌ای تحلیلی که در سال ۲۰۲۶ در مجله American Journal of Clinical Nutrition منتشر شده، بر ضرورت بازنگری در نگاه صرفا متمرکز بر کاهش سدیم تاکید می‌کند.
سدیم موجود در نمک می‌تواند در افزایش فشار خون نقش داشته باشد؛ در مقابل، پتاسیم به تنظیم تعادل مایعات بدن و عملکرد طبیعی عروق کمک می‌کند. دریافت کافی این ماده معدنی می‌تواند به دفع سدیم از طریق کلیه‌ها و تنظیم فشار خون کمک کند. با این حال، بخش قابل توجهی از توصیه‌های عمومی تغذیه بر کاهش نمک متمرکز بوده‌اند؛ در حالی که دریافت ناکافی پتاسیم نیز در بسیاری از الگوهای غذایی یک مسئله مهم محسوب می‌شود.

پتاسیم را از چه غذاهایی دریافت کنیم؟

موز، سیب‌زمینی، حبوبات، سبزیجات برگ‌سبز، گوجه‌فرنگی و برخی میوه‌ها از منابع غذایی پتاسیم هستند. افزایش مصرف این خوراکی‌ها در چارچوب یک رژیم متعادل می‌تواند به بهبود کیفیت تغذیه کمک کند. البته مصرف مکمل پتاسیم برای همه مناسب نیست؛ به‌ویژه افراد مبتلا به بیماری‌های کلیوی یا کسانی که داروهای موثر بر سطح پتاسیم خون مصرف می‌کنند، باید پیش از هر تغییری با پزشک مشورت کنند.

منبع: sciencedirect

جی‌پی‌تی ۶ سایبر رونمایی شد



اوپن ای‌آی از مدل جدید خود به نام «جی پی تی ۶ سایبر» رونمایی کرد که برای شناسایی و بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌های امنیتی طراحی شده است. به نقل از رویترز، این شرکت دسترسی به مدل مذکور را در مرحله نخست به گروه کوچکی از مشتریان تاییدشده و مورد اعتماد خود محدود کرده و بر اساس چارچوب ایمنی‌اش، سطح خطر و توانمندی آن در حوزه امنیت سایبری را در رده «بحرانی» قرار داده است.
به گفته اوپن ای‌آی، هدف از توسعه این مدل کمک به محققان امنیت سایبری برای شناسایی نقاط ضعف سیستم‌ها، بررسی روش‌های احتمالی سوءاستفاده از آنها و رفع آسیب‌پذیری‌ها پیش از آن است که مهاجمان سایبری بتوانند از آنها بهره‌برداری کنند. این اقدام در شرایطی انجام شده که تلاش بازیگران مخرب سایبری برای سوءاستفاده از هوش مصنوعی رو به افزایش است.
اوپن ای‌آی همچنین اعلام کرده پژوهشگرانش با استفاده از این مدل موفق به شناسایی ۸۱ آسیب‌پذیری ناشناخته پیشین در مرورگر فایرفاکس شده‌اند که موزیلا آنها را در دسته آسیب‌پذیری‌های با شدت بالا طبقه‌بندی کرده است. موزیلا انتشار به‌روزرسانی‌های امنیتی برای رفع این مشکلات را آغاز کرده است.
این مدل همچنین در توسعه و آزمایش اکسپلویت‌های عملیاتی برای ۹۴۸ آسیب‌پذیری در هسته لینوکس (Linux Kernel) نقش داشته که ۵۸۸ مورد از آنها پیش از این شناسایی نشده بودند.
اکسپلویت به کد یا روشی گفته می‌شود که از یک آسیب‌پذیری امنیتی برای اجرای عملیات غیرمجاز یا دسترسی به بخش‌های آسیب‌پذیر یک سیستم استفاده می‌کند.
مدل جی پی تی ۶ سایبر هم اکنون در اختیار مشتریان منتخب سرویس Daybreak Red قرار گرفته است. این سرویس، سطح دسترسی ویژه OpenAI برای انجام فعالیت های پیشرفته و مجاز امنیت سایبری، از جمله آزمون نفوذ و توسعه اکسپلویت است. این شرکت اعلام کرده طی هفته های آینده، دسترسی به این مدل را به تمام مشتریان تاییدشده Daybreak Red گسترش خواهد داد.

رونمایی از یک روش جدید برای همکاری با عامل هوش مصنوعی «متا»

متا از روش جدید «Spaces» رونمایی کرده که برای همکاری با عامل هوش مصنوعی «Muse» طراحی شده است.
شرکت «متا» (Meta) اخیرا از عامل‌های «Muse» خود رونمایی کرده است که نسل جدیدی از دستیاران عاملی و دوست‌داشتنی هستند. این شرکت اکنون «Spaces» را راه‌اندازی کرده که راهی جدید برای ارتباط و همکاری با آنها است.
به نقل از تک‌کرانچ، Spaces اساسا گفت‌وگوهایی هستند که پیرامون یک موضوع ویژه می چرخند؛ اگرچه متا از آنها به عنوان تجربه‌های سفارشی یاد می‌کند. آنها در نوار کناری رابط کاربری قرار دارند که کاربر در آنجا با عامل Muse خود در تعامل قرار می‌گیرد. کلیک روی Spaces، گفت‌وگویی را بالا می‌آورد که در آن Muse از طرف کاربر برای رسیدن به یک هدف ویژه تلاش می‌کند.
متا نوشت: ایده‌ای را در بخش گفت‌وگو مطرح کنید تا Muse فضایی را برایتان ایجاد کند؛ خواه یک ابزار ردیابی باشد، خواه ابزار برنامه ریزی یا مدیریت پروژه. همچنین، Spaces به سادگی با اپلیکیشن‌ها و اطلاعات سرویس‌های دیگر یکپارچه‌سازی می‌شود.
کافی است اپلیکیشن‌های مورد استفاده خود را متصل کنید تا Spaces شما به طور خودکار و در پس‌زمینه به روز بمانند. بدین ترتیب، مواردی همچون تاریخ های جدید کنسرت ها، تغییرات قیمت یا پیشرفت در پس‌انداز بدون نیاز به درخواست شما به صورت خودکار نمایش داده می‌شوند.